

ارُدو ادب مے ش اَقَين کے بے دوشن کابل کے مند کی ایک عمومی بیشن

اُردونشرکی دانتان

15 23

ئۇتىن: ارجىيىد



ا شری کون ہے جاتی نے دکان سے اللہ ا

ا آدود کلی در سدن که تروان دانید با در انداز کلی در سدن این برا بر بیگر در کند آنیا کی مساعد با در انداز کلی دانید انداز کلی در در انداز کار در در انداز کار در انداز کلی داد کلی در انداز کلی در انداز کلی داد کلی

موده به این که منافق الدینی به این به این می داد به این به ای هر به به این می این به این به

ادد (دب مي ما ۱۳ هما بروز دهني کامل ۱۳ هداشت. أدب ک اد پارگ مي ده ايک ساز در نشون ساز اي مي رسيد. به در دوز اي خواجي استان ساز در دوخ وي که در در اين پر الله ای کسس خواست و داند دهند اورسيت انتخاب کي دختاه به بر سازس سابع در اي ششيد که از داند آدد دختر ما الله به از در شرح مي الله يك زيردست خشيد ساز اي شرح استان از اي مي در در اي ما در اي ما در اي در در اي ما در اي در در اي در اي در اي در اي

اے مسید مبارک بادسکے متن بل ۔ ان کے ٹی کا واون ویا ناہشائی برگی ۔ اوروٹ میٹی اس کے ساتھ ہم شکارے وارکٹہا کا پاپسائیز وصعة اتال اکسائی طورت میں چیش کر رہنے اور میں سے تب بیلیسٹ

- Zurser

ار رہے ہی جی سے اپ یعیت نیب زاحمد

نگران ، پائونس دور کرنیسندی، درشدنیاز شدیر، در فرانک

الميران و رب وارتفا بسيد شاريت: المارين الراكميية و اليم الي الراكم التر

ا المنابعة الشياق الا MEM

الث: سيمانتر

مطيوعات يشغ فعام على أون ادكست . حكب ، تاركى ، لايخ

باریت چات ۱۱ دی ۱۵ پر فونص شیس

96

INTO CHITAGHAMICOLT

شری کو ایسے حاتی نے دکال سب الگ

نواجه الطائ عين مآتي ۱۹۱۰ می در ۱۹۱۰ می در ۱۹۱۰ میک نید مین بگرای کا الایت ۱۹۱۰ میکند. مالات آنگری امیدری کورکش کا که ده دیشه ۱۴ ت زرگ کم فرادی

we to the discovere & factor of a write Established promise we in our Limbelof Stanfel Sicar shis over ده بداد نقل كريدي في ورمال فكالنبي.

ميري دودت تقريباً ۲۰۵۲ موروق مرد درمي بقاع تعبير يافي يت ع ت بحان الدع مان فال موس ك كامدي اك قداري بي مان بوق こうがくすいというい しんないかくきと ナップロレイカルカル بعرا أفيت رانوي عن الانترادي مدى يسوى مي المفات الدين عن تحت ولدوهن قافع الدعام فروعيدال العديد مرون برايرات فالادور والمدارة والمدارة والمالة والمواجدة والمالية والمالية والمدارة والمدارة والمدارة والمالية والم عان فيدرو عندون ودرك في المان المان المان المان المعاد أسيادا

ع حزيد إو إوب المعاركة على اود ها واسلول عي في الاستاح كالمساود و مى

واسط عد مل الرواق الوعق مران الراج المر والما يوافي والدي الم والما المالية はできるしいしかまでい وكرفها ف اوي اس مات جي نهايت مشير نقا كرده قدم اشرون فكذاف

المعدات تباده فردان فارس ف الرائام ادرعان فالدان وك ايان والاستان والمعالمة المائية المائية المائية المائية بندستان پرتمادی فقاری نیوستان فیاف ادین نے بنیں صدہ ادبوال بيهات يركذنا أويت بين الاستنديدا كانواد تنعيد بالخديث يما بلويد وماك ك الدوست محذ من المدون أبادي تقديا في من واسط كون ك المالونة ك الارصفىب المشائم دادات وتفيين فركا با زاد العقوميث مزامات وعدً ومواديا أويت يرواق بي اور فقا بت عيدين ان ع منو كوى يافيت

المراج البرائك المار العاري للاطبورية وواجعي بزرك كالان يتاثره جدي ويكافرن عاد فالمنافعين فق كمن بون الديم زواده مادا كسيك من يكر ف كرويول مادت فيد يو يمانام عرفور بعد الله هور war minterest and above عي الدوي رشا إن الدون كدنسيا دعي قبايت ويوكا استياز ما عن كرنات الرؤيانية ع والما المعدم المرافع والمعالين المراكلون عدم والم المارمة المارية والمساوة والمساوية والمارية والمارية

بكستوس اختاريس ك بد عرب يد يد الادالانكالا مرشارم من متامک. يري والادت ك ميوم ي والدو كا وماغ عمل بوليا منا ا ويميرت والدت

ن كونت من اتفادك بسيك في من القاء من عند من خيران منها فكي ينا いんかいけんかいこのかいというかんんしんいんしんこん اس ك مدائر يرضيم كا شوق فودكود ميرسدال مي مدت نهاده ها الكروالا وو ومور تعربه كي وقد زه ما رزى توجوج (1) ومرفق وي المعادان في المتحدد الوك الدين المرافع الما الما كالرياس ىرى دىدى درخوق ركة تق ان عددوارة دى كارت براس Vope-39 いこいいかららんことかららせこべらいい ش بالدائي ول ومودود و الماري من الماري من الماري مودود Jisting wines or frige in Eiters وي بدر دالدين ك بحدقات ي يجيدي ال دنت بري عرب يى モンーノをからののはどをこいりのりくられていいから File is me a introduction & the will be あいいんしいいのいろうとんりいいからいん

يريكر داول عدد والحريك والدور المراعد والمراعد كالمراد وكالم المن الحرادية المال و منافقة و والفرائل و المالية المالية شهوروا نظرا ورعدى عظر بالصيل . نخرج الى وقت المدم وأناكا في توسيعات ا مقاعرص سرسائي بب بين في نشونها بالناعق وإل هم مرون عرق اورفادي ذبان برخومجاجاتا قا الخرون تيم المناص كم يال بت يتكليس الريست في الا ANUSTER SEED IN SECURIOR SECTIONS おきなんかいかんなことののからくといいかんと かんかというけんこうきんいっているいんしん شب دمینا بود و دان سب دری اورهد د کا کی کانیور یافت وگرن کوهنی بای ت というといったいいからなっているとというというという الله المان برا برس وقت اللي منظيم القي على مناه مواي والأنظاء موادى المدمين آنا دونسره وفيره .

ي ن و د ي على الرِّن سُرِّ فا حين اور جدندي الصني الرويا كالمتي أرسد الروون e. はいかいこういのはからしからかいとこれとんしかい DENVERONE TO STORE STE BUT KNOOP فيس ما سال بلور فرد كفر ي والحراكة ون الا معالد كرنا عنا- الاعدادي بك صدى كي المراك ما معد المارك والمراك الله المن المان ال المرجكرياه إفي كافتر بندوتان في بريا بما الدحدين المركار وقات كليوي 七八八元のはなっとしいではかいはかいかい infuriousible construction extensions might and and the desire of the war as the いはいかいかいかんからいっちんだっというしんしんしん الله والعروب كالتي يور عادد فات كادو عد المروض فادولي الى でいいはというははんこかとこれのからかいがり

and the second properties of the second proper

ر ما روان ما در این میدند به ما در این این میدند به این این این میدند. این میدند به میدند به میدند به میدند ای میدند این از این میدند این این این میدند به میدند این میدند این میدند این میدند این میدند این میدند این میدند در میدند این میدند این این میدند این میدند

હી છે કે હિલ્દ માન હિલ્દ ફ્લેન્ડિયાને ફ્લેક ફ્લેક હોલ્દ માને હોલ્દ કે હોલ્દ કે હોલ્દ કે હોલ્દ કે હોલ્દ કે હોલ્દ હોલ્દ કે હોલ્દ કે હાલ કે હોલ્દ ક્લેક કે હોલ્દ કે હ

かんないいんいからのいからのかんとうとからいんかん

VERONIES SALE BUSHOUS VERNIGH Mile verstier ich moditional storm の大いういんはいからり、はんかんはんだんだん ما فق وس كا على بريا على بيك بي وي الا ما تدول ماست بي متا مدميد في أواس أن المناعين اجتبيت على المرسك اصل اورتر محدودول تعطيرو المال د ف د دور و من المدكات من ول كا تعم ما ين تعرف يود مي ال برمياني المن الحقي التي جي يوكرني بالمراقية في المد في في ودراس الله وال المائد القردك كالقع بالمودوي الفاع والإنقا الدامادا الا تحال ك مادى فوال على وي المراد والدائد المراد المراد The sent to place in west die to war do por now ش فی کا جر الان محات معدی ہے جرب کے دس ان الم ایش اے با شائع بريك مي العرشاع ي يراك جنو واستدن بلور مقدم ك ايث وال الديدونكر وفاركا الحاب بل كالرب وديران كا فاعرى يرواع بل アルヤニリーアンといるアクロショスティールのので تقريباً بزارسفرى كاب بيدي الديد كرداديد يا ادران مي شافى بروالال الى كى ما يى الدينين كى يى دى كرافر وفروى كى يى يى يى يى ك قابل نيوري ١٠٠ ك علاده يس شير معفرن من هند مؤاذن يرفق الا تعريط موتيز ب الا مال الاحالاط ميد الرائيات المال م فالح برخوم يزاود كما ووالاي مركى قدراده ادول مركور المدالا مورور وموز فالح بس مراور مي مان دران زران و الم بعد عان عمر برن العبد المادات عدان كالعيث أم نس برياب emai enciosipai dioponale

المن الله المراح المراك عا المن والبدي ويد الما المناه

لے تأخیت کریا وہ اوج الدنیا وہ باتا حدیث نے ہیں ادری کا تا بھت کی میں اندی کی تھیا ہے۔ اندی میں کردیے ہیں سمبراوں نے ہام طور کی اس کا قائل اندیا ہے۔ اندی اگر استرکاری کے میں اندیا کی استرکاری کا اس کا میں کی جائے ہے۔ اندیا میں اندیا کی اندیا کی سال کا اندیا کی ان

ر به و موادر این به این از این این از این این از ا

المراقبة في المرا

ليد طويل مليد معنا بين "مقدر" كم فال د ت تك تكاز راح والماتشة كا

كركته مودميده مكردان كا افيدم برمد بن مؤولان جي بشدان كه الموادان المثانية مراي منافقت ملكهت ادوائق وقست بين مقدان كلوم كدمكاران المثق كله كوديا بديدة خراج داخلان معن مان كذرك كمد هسيدون في المطافرون محادث أيشا فيك

مرا چراهای کے میں ہی وروزان میں میں مادوری وافز جات کا اچھائیں۔ ''ایک وافز چوجری انجھوں کے ما تصریح آئیا۔ ووج ماڈواؤنٹ کی ووٹرے مراقع کرکیا ہے ہے ہو ، 19 داکا ڈریسے میں آفواون آئ

ر و دوسوسه نام به کی بیان سید و ۱۹ داریده از بیند بیند افزان (ب افزان سید تا که بار دیدان مدانه مانه امانه امان مهر بی بی در از دارید شده مدارک نیک نیخ از درید که مانه امانه امانه میداد بین برای در درید سید مدارک نیک نیخ ادر زند می کنید به میک می سیدی شدر یا نیک در نیخ از میداد درید می امان کرد سید که کساس می شود کار نیک کشت

رب می است با است با از در است هم برای به این می میزاند. در است به میزاند با است با این میزاند به این میزاند می در این میزاند با در این میزاند و میزاند و این میزاند با در این میزاند و این میزاند و میزاند و میزاند و میزاند با در میزاند و میزاند و میزاند با در میزاند و میزاند و میزاند با در میزاند و م

ادر مي فان ان که کام عمد به در که ميرت ادران که کام که بلديد. وي مي که اگريک دورسهای مي به خاکستان ادروز ترخی کار وي در ميک برين به اي جور فرانسد سر سد تشک کردوز خود ب شخه تحرکو ان مد شدن کان فوق مجارس ادروز ميرون که من دادی

لان تا دین آنا روی و قریر برد فرا منا گرزی در آنامی برد آنامی در آنامی در آنامی در آنامی در آنامی در آنامی در گرزش برد این از آنامی این استان برد از آنامی در برندی در در آنامی در تا می در آنامی در آنامی

المنافعة بين الإواد من كراجيد الاعترائ طوعتان ما في المساقات المنظمة المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة المنط المنطقة المنافعة المن المنافعة ال المنافعة ي و فريد فرده الاعلام نبيت الدوم الدوم التركاف الإطهار المدينة المارك برقد تك أولا الدومية الدومية

ત્રાં ભાગ માં કે વિકાસ માં માર્ય મુશ્યાન મુશ્યાન માર્યા મોલા મું કર્યા માર્યા માર્યું ભાગ માર્યું માર્યા માર્યું માર્યું માર્યું માર્યા માર્યું માર્ય

مرواد هذه بين بكيته آمد. يما دو موجود دائم خواساً درفت بك فروح سنستن او دام دورق هم چه مواده و موجود تا دوران خواسا دورگان دارگزان و دوران موجود خوا ينها براي موجود خواس چهاست مروان اند. به دوران موان موساعت برای اند.

ત્રિકાર માત્રિકાર માત્રિકાર માત્રિકાર માત્રિકાર માત્રિકાર મહત્વના મહત્વના મહત્વના મહત્વના મહત્વના મહત્વના મહત્વ મહત્વના મહત્વન મહત્વના મહત્વ

بري. مين تفيد مي داتيات سيء عدي را ياستن اردا النعب تغيد

ميدان بالى يت کاستري بالمدان به کاست مي يو يود در مودن که شد کي فردن در دو کان برگ و از از ارائد ميون کان اي در دودن که دارون ميدان در دودن و از ارائد ميون کان اي دودن بر مجمود در دود کار بر ايس او دودن بي دارون کان کان در شد که دودن که دودن و مودن کان کان بری تيمن که اين مودن کان کان در شد که دودن که دودن و مودن کان کان بری

ي مي خود (د) به ماه و دارگ شده که ده با خود (د) بيش (د) مي خود (د) بيش (د) مي خود (د) مي خود (د) مي خود (د) مي ده كه دارگ مي خود دارگ مي خود (د) مي خود

نے بارکسیا وکا تا دریا بروی کا طویل مال کا کاڈاروں سے تو گی بوتر کا کا کوچین میں کافر کا کسی مستقد دروی کو دیوال کہ در سرائ کا و رسی سے ایک میں ساتھ النہ میسیول کی اس ایک چیز ہوتی اور وہن برقی کوٹی کا بسید میں اس کا میں اس کا دورا میں کا دورا میں کا دورا میں کا دورا میں کا دورا ہوتی ہیں تا را المرابع المرابع المرابع المرابع المي المرابع المرا

ارا ان بداروس می می میموند اور سیسیده می این عابید. فردگان این کردند اور فرد این در ان و بدار ان این میداد دادور به این میرد دادور به این میرد از دادور بدر دان ای در چه رو این که در فرد این میرد که دورت یک از ان اندیزی ده بدران وی که موان می که در فرد این که در فرد این میرد این نشود انداز این که در فرد این میرد این

المجروية في عدد المؤلك المراح وي عدد المراح المراح

البول نے تعرفری کا طب کیا ہے اور دشاعری میں ایک حدما فرین اخرے شوریت کے محافظ سے ہی یہ تعد کو قام ہوگا کا در مرتبی ہے۔ اس الم علی حال ہے وہا بیام نہایت توش انحان سے شایا ہے۔

ار حضواطی و کاوتونی می هم ترج سیست و دیدانی در مسئلت بر وزیده می اگری این سابق سیانی کار بیان با از ق جربهه را می کارتریفت می میشود در کارسید سیسته میشود وه در نکی کاموره تیسادی این کند برس رود را در شیکی مادد این نفواک کاموره تیسادی از می برس برس این میدانی کارتر میسادی کارکار کامورسای کارانی این در نام این از کارتر است در

برا خدم ان کو که این این کسیده در این پرتاب خوایی همدوناد و آن استخداد است از توسیل بیالی به جوراه می در ایک و شدن در این از کونی به می کزش در این کسیده این بیرونایم این هوایی در این میکندن برقر کام این کارونایم برق بیری که وضعه بیری بیری نظامی می می می می می می می میکندن برقر برای می میکندن برقد بیری این بیری است خشر کی میان کونی بیری در این این می میکند این این می میکند این کارونایم کشور این این می

 الله المساولة المساو

د بر بر بخام او براها او بست بسداد و بر بست بسداد و برخامه اعدام برداد برداد برداد برداد برداد برداد برداد برد جمان تودرانا او باط احد و فزوج مجروب المهام بالمهام بدرانا بدرانا بدرانا برداد بالمهام برداد بالمهام برداد با وقت درجة او درداد من طفیس من چشد، الخامة انتا بالمدروب و دریات مشکلت

خېرت اودکونی همده لوزمای زمیرت پرجیری او موا ۱۱ دی در مین مال د انتخال اموده برج ۱۹۱۱ مغر آخسسرت کو دیث دان یا فارت پر برار

مرالی کی خدیدات اودوانگست استده میدانگدیریده بخش ماهی مودی مرالی کی خدیدات اودوانگست استده مینی های بدونی کامس مودید برهم با در و بی میرس باست کی میسی کرشش مدان که کسی دادید برهم با در و بی میرس باست کی میسی کرشش مدان که کسی دادید بر میزان مدانی و درقد با در میرس با میرس با در این با

ر می در کشا تین اگر هور این با به میشود این به میشود این به و میشود این به میشود این به میشود به میشود به میشود میشود به میشود این به

رای کون سده به خده در در بدر به در به به در به به برای نیست می می برای برای نیست می برای نیست م

قاده عدد الدينة المدينة المدين المدينة المدي

direction with Liver 3 will make the

عرف وروا والمالية المالية والمراجدة والمراجدة والمراجدة والمراجة والمراجدة و الاونوفت يماعل عاباب بقع قرنافتك اتادير الكر فلومنوار فراه مود يكرفوا من قنا عي كوام الدرا مي ل معاشد آخر خوات می واقع برت وقت وسرد مل مل جمادن بر حرراه س فليفرق موادى فلائح وإدك مدت ين عداد كالمام الاوروا كاع والدى عدر المرائد على والمرائد موسورة المرائد المرائد ف الما العول عد ولما قد الديد الله عدا الله عدار الله بعراغ بواج يورى وساله والدوم وموجى دو فاادداى عذان كالمرادي في ما دانقاد ورب الدافق و بروعات かりかんないかりのいないないののののかいかが アルイントンリリングとといくだらいまでんかいいけ في القالة بالثلا العصور الأناع مع الدينة الدائنة إلى Louistilly perged of which is きょういんいからいはからかいかいといっちいとい でいたいけいき はしょくかいからかいがらんじられた الالافريخ كالمنائل عدومين عاص غاس كالدوري

ك ملى موذى والمثابين كامن عندما كان مدروة الاور المسترك الكون كان من أن المعرف المن من الكون القد والمن عن الكان دولت المن ف التي ا ما آن الما آن الإنسان المواني مواني مواني مي المواني الموانية الموانية الموانية الموانية الموانية الموانية ا معلى الموانية الم

اس والابرائية معادلة عندال في معدد المسائلة الم

and the state of t

شخ مندی خروشان می ایک مکایت کلی به نده کایت محکا بیشت ان مک مؤمنده تازیک ارسه جمیع به بیخ مندی خدانگ چی بهت مؤکک ان یک مراوق مک طلع می دوبنده نتان جی آشف. مکلت چی –

istalia mentali territoria di internata intern

المراكز المرا

الالاسماد الم المنافعة المعادية من من المالية

کام اورا بنا ایران کانسیت اداری داشتی می اورت کی متنصره کا کا خبابت دود تا کسر اورشخی این کا درف داده دودارسام که سمایی این کام کام داده دودارشودن می با آن دادشود کشور برزست دوداری برانش کان ما ساست می با آن دادشود برزست دوداری به نشار کان ما ساست می مشاری دادشود برانشود کان ما ساست می مشار کاروی در ایران مر

برود ال بياستشعر امير داوندن دا سان كا فران به ارستسم كما بي فران پرفرن براد الله است كارگري مث كه بركري امر خال مربر كارد وي تياست درمان شق چو

مربراکادد وی قیامت دوبان مثل بی و د سه توامل مثیر جددهم آرایسیا ساسته ی مند توقی که به برگزیند ه شی شک تومیری ای بست کردایس به مزود بیشن از دنیم کارنیستان متوم را توی علق کارانیم

اشدن نفيدك مرفير كسنافي كاشان عنهايت بيدها الرج اي ات ا الكارنيس برسكة كرستندم بالأرم تا والي نبكي الدافعيات والل مرتفا كريدوفرور في الى كار والله كالمروا عا المفات الديد والله كا وت بالمكر في الماكم الماس ك المركز في المركز الم المتعادية ورفوت وارى يى كرخ ك بى الله يرتبايت مخت فلم ووقعتك ك جى ع بالارف عدد في عرب برع بي عرب ما وي الما ما وكر عدى دى عن اس عدى كر فر كار و كار مورى إس وك or starting & Albumbers, Son por ک بران سے دون بن ب م ان کار مت دنیا ہے ، الما کا ورث ہے مغرب مك جال بدال عرب ك قدم شده الكرادك إن جى تزول الكاهد 28. Lot of the Sep # Sec 5 50 15 1801 Cincie ب عرب عون المرتوري ويا قا إص عدل ما المناف そうしょいいんかとのはというこうとりかいれ عنى كروسول الأصل الأعلى الأطراع ك في عركا خون " كارى و حضول ك الا ص آب بارال که طرح بها با گیا اور جس محادث که بنیا و خلفا شد داشتری ك مرمند إ عنول ف قال مى ده يشم زون مي ايك فال الأهر بال ي ف مقيدت عن منتسع بالذكا مرفر نبي كلسا بك إمدام كا مرفي قلعاب الد الإسترة ومن من المراور و الموان الماري من والمعادة

بد عامد بهت در شام کا الل دی الل

منصر كمال يري تحرما ول إلى عدم

تعتب الدجالت لاحقا بذي جد تقيدى جركا لله بت بزيد علا ومغرس كون والاست المامون الدهيندول سن افتكان كيا ひかんいのけんしいとうしいい これのかんないかんとくること そりのなる いろい とうはんしゅう とっかんらけい ف (دراق طلب ما ب اورمي كو يا الكس ك عاظ ب كس ف نَا يُرْمِرود كِمَا رِي وَكُمْ مِنْعَامِتَ إِزْ لَرِنَ مَا يُسْتِ . وي خُفَى كَانَتُ advice Vorta in att a while -الله جائد اوراس كا كراي عول بما كرديكما والدوم م ميلا تنفس عص ف ندسي دري مي تشريبين ك نبياد والله اس かんかいかいかいかんかいかとしんといい . ك ما ي در كتريس كا كوكر في القراع در ما ي درا جات. とのことというとうないとれないとうかんかん toil Valorite of the Next

40,21,15 احات مادروسى مرمت كرك او كرماد عدي حالي إن د فرايرى . الاشان وزكومت بويك فانتدادا متدال عذالمان الدووس تكرمها قام طاقيق كومينها كريندوال عداد ويونوكل あばんいかしんとうけんといろいからはかつでかい ص . ای نصاف کاکی قوم ی فردیک بی قرصت ک دریا آن ميس هوڙي.

يشين ب ادوم ما بت بي كراودن كوسي اس كايتين والأي ك مرتد لا كون كام سحافي عد خال مرتدا م عدوند عد

できることいるこのものはままれてんいんい

Suporior or war se confer & Ecopes

مال عاماقداى كروم زيادة آب رئاب ك ماظ

となるとしないないないとうことが、とのことというこう Bygers Swinders webble its

المراجة الماس والمراكات المراكات المراجي المالان المالان المالان المراكات برابو الفروطوست كاخان بوتاست اس عي جتى الى طروطوست ك مان برق ميدودد كالحرب اوراق مساق والى كري رورواما من فوون دسدن من وي كوف مت منست عدما ل نهي برق دس من ومريدين فالمادد فخفق عبق تول تكدموا اددكة فيس مكسانا - ووح وشيان نتيال

نام ك و بن ولا الما يستيد خرب كان مالت اللي و تروي و موان

ير كافود في دملات الادرو في مروا في كريد على مدور ما ما كامات

يرقا فرينار و يكوم شايره ير الول كوين ويكوبي - آيسان أنفس بذ

كريك اسحافنا براه يرجو لينت بي سوائي با يُحالكند اطارقيس ويكن ترمين

عِن اورخاص كروشال كلوري غرى أوص الم من المعول كواب ومتقل كسدا الما قام

مرواج ميود يحديد أيون كالذكاكا خط مريديك بالتأليف لينطيك لداراب ك تا الخر بنده تال بن عستان وسادرات كاخرت الاسترافولك تغليركاها ليصوح كرن كدفن بتشندع والملاسانك اشكاركات الى مرتبه غامى كرواب من نبايت منافى عدقام وواين خلاد ي الدول مذا عد كالدور الدوك في كالمنت من مل من الله من الله sain cinferiosevel inderend ن ال المساول الما مع المعالى الما والمناس والم

ことがなりないことはいいけんかりとうとうとうと الله والمستند الدواك المساول ومرك الله خداك الاتعديدون الد というというこれがはんこれのはんかいれかられる

ادقات ذائدً لك افراد تي فود فرم أفراق كو أن اليساشخص بدا كروتي إلى مبس كو

Chingen who out wime an a fer uned with

معالى برنائ اس برعل الدوس كودوا عاد زايل عدد الدي الدي

الالكافين كونى إلا بالذبانى فرميسال عيت الاحتيدت الالونوب

حقيقت كوعة يرجيوكرة بعد الدفود لمرب الري التقال يدائرة يدعى كى دولت دەقوم كامنام راد كى مقات (قائنىن منزل شارة بىد

يس عاس براهم الفيان عرف مرتدت قام كادد قرى

une at Si idonto la Loie de できだんかいかん جى قدركدان ك ماقت د خال دراقال سنة بر مرتاب من كدام ويات

لامنين ال سك الاستان وعاليه كالوك الادان كي برانزل كاد بمرط ب سكاما

للني المعامق الخرجب قدم ميما في لا نگرين برواب ميا خيم فياه ت

بيراول فااخترب والي نبي وارده الميى سنت ديدمت وتشيد وم مقيد

معطون مي المحرب الداسلام محد الترون والل مقاعد كرمون ال المنعي

٧ ودير من من التدب جنائي الفودلام كرف والدك فاست كالدي مًا م فعن كريبنيدًا بدر عُوا مؤكل ذائر كا عزود قول شدان كا الكيس كوني

الدخواس فين في مواسام كاستيقت ك نسبت بن كالمشي من ع قدا ول ك

Siller conting to be to the de south of the

الدفقاس ك خلاف معلى برائي ال كو عِندا الديواس ك معالي الي الك

والما ودورد والمعالف كالون كالمدال عداها والمراكد مواط

الم المد المراجع المرا

ميت بارياد كتب مرميدك لدى طفيها الدين كانترك كالهريس

وعيد كابرت من المب كيد عن مرتب كالمتنال بي

الدومر عالى من ال كو الدول لا ما من يدو كون كي عام ته وك واست باز الادوان وارتحفيت ك الك فقروه ما در عدي كي الله ي

اسك ك فاو فاعد براى مي يان كاوع الديد بالديد الدين ال

こんしかいいいりといりままいはりとのです

-のはかいからりないないない

مع كاطيلت كاليتين الديا أوساق كاعبت الدعيست كريا مرتبذك

الدكرلي مِزوّلانسي يا مكتي.

8, 1: 0, 4: 8,001 day 000 00 00 00 0000

とのないではないかりゃしゃとばとしてのとうだらいの

مات الأفان كوم إيك الزام عدياك وحان جائدة في ؟ خاصلات مين حال كاستون الأكام عنون الكاري كالكارك كالأوم رقع كا

حالی کے هشابطن آر را واقعای سیلیمان ان سمیل کاران این سرور عرب یک میراد نتا حالی زیرک کمی افزاد کارساک سرمید کار خواد در در کمیری کاران این از میرد کار کار و در میری در اول برای عرب هماران آلمان کرد کمیری میدود کمیری سازه این مرتب کمیری میدد مقدمات این اور این وی افزاد کا اور تشتیری معال کے مشابط این سے سیور کیا

اقتیا مرینش کشایا ہے ہیں۔ "جیسے فرعان بڑھے کہ اور اور اواق اراد کی فرطیق مشہورہ ہوں اس کی تون من جیس فرنے انتخابی - دوسرن ایک حالی پرنیس دیشا ہوں جیسٹ

ک تون من جہاں فرید اعتمامی وہ مدنا کیک حال پرنہیں میٹ وہ موشق میک میں ارتبرہ بیانک معام کاش کا طریق نگسہ ورک میٹا ہے وہ اس پیٹر کی فوج جو بیا ڈکٹری کاشک فوصل ہے کہ بنزادوں چنٹ کھاکا چاہ جا کا کسے میں

در براس اس کور در کورون کورون کے دو الماظ بنا ہے الله لا بنا ہے الله لا بنا ہے الله الله بنا ہے الله الله بنا الله بنا

ે તેમાં તેમ માં માર્કિયું કેમાં તેમાં મુંચાનિય મેં પોલીની તું મો આ પોલાની કેમાં તેમાં કેમાં તેમાં પાણે માં તેમાં માર્ચિયું કેમાં તેમાં માર્ચ્યું કેમાં તેમાં માર્ચ્યું કે મુંચિત આ પ્રાંથિય આ પ્રદેશના તેમાં મેં મુખ્યું માર્ચ્યા કર્યાં કે તેમાં તેમાં માર્ચ્યું કે તેમાં માર્ચ્યું કર્યાં કે તેમાં તેમાં માર્ચ્યું કર્યાં કર્યાં કે તેમાં તેમાં પ્રાપ્યા કર્યાં કર્યા કર્યાં કર્યા કરા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કરા

یک پرنزگادشا و شده که بیده و ادار بازم مادن آن که نام میدود. کند یک می که که این بیده که میرود بیرید این کسیده نیم بیداد. شری افزارشد این که بی فات می میدود بی این میدود بیداد ب چه بیداد این افزارشد که میداد بدیداد میداد بیداد ب

الناز من المالك من المالك ما معرف المالك

آپ پروگاره مهای آخ و هم می برد گذره به هم کار با در دارد آن به هم کار با در دارد آن به می کنید و هم کار با در دارد گیرا می در دارد کار با در دارد کار دارد کار با در دارد کار دارد

کیون فلک آن که کردان معنوان کامی متوان کامی و خوان من کارونده از که مکنوس هد من فلک می برای کارون کارون کی بسید بیشا کمی بیدان کارون کارون کی بسید بیشا کمی بیدان کارون کارون مناوی می بیشته کارون کارون کارون کارون کردان می می می این کارون کارون کارون کارون کارون کارون کارون کارون کار واداک کارون کردان کارون کار

رق درام ہے ہا ہم ہی اند ہی ایس ہے ہی ہے۔ مرتبہ الدین آن ہوائی ہے۔ کردیہ اگر کا آن اور ایس المستقبین ہے آئی ہے۔ برنامہ کا آن اور اور ایس المستقبین ہے آئی ہے۔ کردی مورٹ ایر نہاز اور ایس کا برخیال مؤسسات کی تھی ہے۔ کردی مورٹ کا برخیال مؤسسات کی دیک کردارے کا داکھیتے ہوئے۔

کون امراد که برای میدود کار بین که دارات ها دانشه به گروید به فشک برای بید در داری در یک می مودد کان بین که در برای هم میشود به فیران ساز میرام شد به مهدم که ارزی این کان نگر نود شان امراکی که امران ساز میرام به فیران شده این که دارای فیران نگر که میشود امراکی نگر میدود که میدود کان نگر این میشود کر میران که در دارای فیرام و بین که در این میشود میکند این میشود میکند امراکی نشود که میدود کان کان میشود که می

ં કર્યાં છે. માત્ર માત્ર કર્યાં છે. માત્ર કર્યા છે. માત્ર કર્યા છે. માત્ય

داد ما معد الموسى في دور الله بين الموسى ال

معلوق الرسر ترعوم المائل وي المائل

الخيات والمراردوية الايات والمراك فالمراك والالت مرت الا ماس قام فغسول مكرس ميسته ولك داقت بود كلدمام والثالثية من وفال ٢٥ وفير هلس - ولين يرفط بي - - ١٥ مد ي البون ع كالتفيي الزاد عاد ال مي جودواب وبرياد ك وسات مي عرا إدا ما أن عد المدر مروم الإفغرس اعادين ميا درشاه ك درياري بيش كانتين وفالعالم المري ك بهت دا والى الدبارات و خاصام الدفعن مثابت كيدا م تعديلة سف ولميرك فيادت يروي الركيج معان توك فك الشواة تزك ما مشاجوك كراد مديادي الودكا مك ول يربها على - انبول شدا مي كمادكا زيان ير ارخ ف مري كونيلوريكي دو رائد " يراكيد في تعريد وان مرتب كريد جراس وقت بلرسه ما عند مرج د ہے ۔ میں زیان جی یہ دیوان مرتب موا ہے اور المقال לעונים מעל מונו בין לעות בון לעות ביווול מול ביו של הוא sagraphing out a sinibilar surprise بوليس دروي تكاخد يستهن برق بي كسي قد تافير ك سافة المناعلين مال جي رسمال برت بي ويد فالق اور كاك بيد ادريال يا دعاد شارے۔ بہت میں بریال جات ۔ گرف الدین نے کا اور کیا۔ واالد ديدا وفيره . كا مرب ك ايك موقعال في أوى ص ك مادى زيان وشركافير מנב אר של של לו או לו בעל ביל ובו ומושים שנו ביל ובינו על בין ביל בין ביל בין تسيى الخرع بات وتؤلد الديخت وطالب الدجس يرسما اس شخص عرال كريده عدالًا عربيدا محاجرا كوأه قادر نبين بومكة. ده يركز يومنون إيك ないなんしいからひょうないいとしないのひしのい كى عد سے ميكان فريور اس ويدي من وه يون سے ورفير ك الله المستنب في

ن موجه ندی برداند بزدگای در آنید بردی از در این مردیک سنودگایگا که خیافت که مدانش این کیا سیده در این گروی ترست برای این این کال تبدید میده کارشند کارشن که کارشنده که با بردی بردید برای بردید بردید خدادی مشارکت با برای کارشنده که نیمان میکند کارشنده میشتر کردید بردید کارشندی مشارکت کاروس که میاد این میکند که میران میکند بردید این میکند کاروس.

ك في ك ما يا في الكما الماس المعالم والما المعادية مدا بولايد حرب تهادى دى من بت فاك بل وي دادة كو مالك ここしんしゃといいでいりからのことくのうましいだり 少しかいとういいますいいであるけらうを10mを137 حالت يرديت والهاك كالأضريف أفاقراد ويترجر بهدوس المكراق وادل لايونا يفي كالكارى والمائية في جوالية المتيادكر عدام كالمركدة ونا بيل عا يع بمان من الروائي يرصاح كا عادت برما عدَّي فيانت عدوا والما والما يعدون الما الماد والما وا وزمايت عرون برسي موالان سعوم المنابس واست ماء مترباه إدب عستال عدر دوري ونس فافعن اس فردت بالليط سه متبان بركيا ها اعتبايت متنى اومتونيط آدى تصرح مرجد كرفناه لياوز مام ي دوى يما و يمار ع ف شاه مام بعد كالمان كالتوري تة - إي برتق ودني مون دار م كن ته ته الله منها غيمان يدمون وار دريار برون مات عانس بي وياري でしころうさんこんいかといこられと たいか stymerical enveronder of Some her عَنْد كُرِمْناك فادكين مزيرات عَنْد ولأن سفريب وجا توروديا كريمن

المنافقة ال

ج الا أو طائدت الى عدد كامار عال كدارا الحال عرف الدول المست كوفال من المواجع بدولا وسيده الدولا والحراج والدور وكلود المواجع المرواد وكل الدولا المارات المواجع ب وللود المواجعة المو

ترج لحاما استابال آئرانشهد بسبت عالمات بادوتری خدمت نمازد کهی برا اظامی شعب امرادید اددیمین ترا نشد عواداند اج ایک فرز دهی بسیه اددیک این کافتری برواساس کافتری بسیاد داد این کاکی مدی ایرانش کویسه اوالت زخواسا در ایرانز کردید در آخ المادن الدوالية الدوائري ميها يا يقي من الدوائرية المؤاذر الم

٧ يان دفيره دفيره فكره بالا بيان ي عرف شارك دفويل. St-150-010 مك محك دي يسركونان يودا جد پرما ك ميان داجا داج - مكين محيان مدّے ألى ود بڑے سراع بڑے مادچھا بھت نسایر راج بڑے فرید فراع اقريميال ٢ لكول داع ماديد ع سمدرس الريب د ك يافي بين ما يى داكسين بريرنا 8 را سمندون کے جات ميش باع بحادث ميرة کنا و سے مجبوع انگھاد عامی 2 6 24 V V V V دَيَال مِلِين كَنْتُ كَلَّنْكُود ال آيوجلي بنددك أرائي شوادو موكد واکی وجی بذود و سال بند بندد کماں می ثال

بسند ما 2 محولٌ قرماد لاجسرتك زمومولا بدنك انبرس ع چند دا ی بیسرگل دید انشد واست تقوماوے كونساكل 8 6 41.67. 5~ ايسا على وا أدے كون 108 = 1088 سٹرک بنادی کلودی فر تحبت تحبيت يا ل ك بهر كدسين رمن تا عالى جان ما سے میکنوں من انامی ی در در دهستا در کال 3 2 36 2 216 برو جو ما هدائ الل ب یں آدے نرقی بل بای برسوں میں جسراک عال - تاسل - تاك أير أير بها أجب ال וצם ענו ניט טלו المسرى ماش فحدادرته d. 4. 4 2 2 2 2 2 تا بن رے سادم لاکھ المع المعادية

ومشول اذرساوسادسان مان کے شودک بازے جدموں مدائن فریق ہے۔ مشروت حالی احضور میں اسان کی مرستان چھ ادائہ بڑا ہے واممی دومرسے شدیدے سے ہو برنگ خصوں می الاستخداج سے کا افزادات ، ہنتہ ہے ہے۔ ایس کرنے تک تک ہے۔ جونیال میں وزع اس کے دائر جوجے ہے اصورتی المرب کی رفز ہے۔ نم یان ص باش کست موجد و اینان سوعه و نا شهرت مانچه ایش فراعد شهر دهای مورد چهند د وق د دوان ایجه به بگیر سر شهرته موجه که باده به اینان که شاخه به بیری بگیر به تو برای موجد و افر و سرای ایروای د تو با دارد و که او ایس شهرا د حوام ایروای

يت ال يميّان تبسري دياتي

ادادے حاکم میسا دے والی

چوک یا دها بود، اورام وزن سک اها دخت به سبت بشنان به ملکیانی ایران کرفرس که آن و کدو کدر شیخ دور شنا والای کهان کی ترایا مدان ایران مشم کرد اس شخص ام کشواری مراد ان هست دوراند و اوراند ایران به برایا به مدان مراد سرکار موافقات این و براند سد . کود کارت سرکار موافقات که دورای سال مرکز که سیک و درایا و دوران ایران ایران ایران ایران ایران ایران ایران

فهریت دیس نکاش دیشت c/cinuna مجے دیس کان ہیں جا الاراما) (اعيرعمدياي undreduce unurura e الين ما مسايين فذا سه كما عدل بي غير كالبوري بيني عين ل بعالم قدر رسست الله عد والوائد وقد مورى مسترك مستدر د المدين الرسط المعيادة عراق فداقا عا عام عالي معت تری موں جینی جین اے جی ا وَانے ہے ہے بدلا دا ہے۔ المعي حتى مشادد جريال كم ماعتون كويا وكرتا بتدكيس جايؤ كم بالوب ل برل كاش كمثل الوبرى أحراق العراوي مسافى تا خدول ووده وى ك كورى عين الرون عمال الدما كالدن الداعةم كالديون العداق الذك الماسيد مرت كما والمات ب عنيان فالا ك أن ال العرد الدان على يربات مع كر كا برا وغيرت يطاع ف الترارى زبان جي وليان حدَّن نسي كي ١٥٠٠٠ تنه الكف معنا بين عِلْسُاك الاروليان

یر می آنجه این برای می بیدان کشکید دس می حد داننده مفترت براید مهارشده به برای مودند می این می ای می باشده به بیران می این م می این می برای می این می ای على به المعادل المساقة المؤلس من الحالي يستان الما تجريد الما من المساقة الما تجريد في الموضوقة المن المؤلس الموضوقة ال

Le de les courses que contrat de la les des les conservants de la les conservants de la

The state of the s

Andrew of the significant of the state of the side of the state of the

 نيوه بالده بالما طراح التركيم الإطال بران كال الدوك بين المسابقة المسابقة المسابقة المسابقة المسابقة المسابقة الاسابقة المسابقة المسابقة

A STATE OF THE STA

The sold to the first of the sold of the s

ر المنظمة المن المنظمة المنظمة

a statement of the franchistic of the statement of the st

Anterior Update of Tall

A the state of the

Elentra orner sentante en en en en

design of section as it is desired to

المراد المراد والمراد والمراد المراد المراد

المواقع عنوا باست مي سوي بيدات الماقية المواقع المواق

الله المساوية المساو

تدركة فرز مان عربيت وورزها فرعه ورجال تك فن يواف فاوت

ل (بدود) ہے اوج کریم ویالیاتا) میں ان کی خوصت میں افزائی جا کے کہ مسائلہ افزادا جی جدا کہ ابی بیان مویکان میست کم فرق باش کے کرفیات میں آدایش اور آدائی کے قبار کہ بات مراد انواز کر کے این دوکس کے کا اور صور درائی اور کھی

شند خوافات سدانیده خوافات برگزار دونیم این بوکمه که بخواف می مد کارده جرار با کامی که فراک دانیک در این از افزایش بنگر باید خوافیات دادر زیر و کارد این از این باید گذرید نیم با در دودات این کیم خوافرا زید مکر ان دوز سد که ده ایند بالا او مراقبات بیمان که خوافرا در این است خوافرا

A Secretary of the secr

ل كروديت بنس محمة كرا الصراع كالزديث محمة عن علاية

بحاكه يتديكن في الحقيقات شاوي لا بجيد انهيل مِشذَل خيالات بين جييا

ام روی بر می روی بر می از این می اور از می افزار می افزار می افزار می افزار می افزار می افزار این افزار می افزا امزار می با در این می امزار می امزار این امزار می ا

العربي عيادية والمنافق المنافق المنافق المنافقة المنافقة

ہے۔ پھرجب اس کوم دوندوشیت کا طوت سوریا کا جا کہتے توانا وہ خیر اگر زود ترا واقع مودت میں جوہ کر پری کے سبار دیں مثنا حری کا طلق فاق ہے۔۔

ي الرئيسة الأستانية المستانية الرئيسة المستانية المستانية المستانية المستانية المستانية المستانية المستانية ال يستانية المستانية المستا

د کھا۔ وہ دیکہ دادیا تی کامیسوان کا ایس ایچر بدیکہ وقت ہے گاگیا۔ آئیس آئیس ایک سف ایچ ماند سکا کھورکھیں ہے۔ ابولواس سے بدیا تھیں ہے ہے۔ میک معرود کی تشعیق میں ایپ واقعات میان کروچے کو تھیں جسمیس بوری ہے مساملار دکھرا گفت علا

گوچند کوهیستینی بودند به مامتری آنها شده عاد من آن که دخراست که کشیر ایم بی آن آن به با به مان به مان که همان فردند این مان این برای ایم که که کار آن این بادی همیش در شرکید همانشیز و می که برای برای کاری کار کشور شدند ادر از مان شرک شداری می از در می ادر کارش دارد. این می از در می ا

شدنگی هی . این نے جویت ۱۱ ادافیا بختیران الڈائیر آن الڈائیر آن الڈائیر آن الڈائیر آن الڈائیر آن الڈائیر آن الڈ ایچہ بچاہ الڈائیر و فارائی ایچ آن ای موسائل پرسی جی اس کا موالی الڈائیر کے بیان جی مدید یا تیک ایک کھانے کی کھریا نے جی بچاہ سے معوم ہوتا ہیڈ

ا می عذر مند اگریش می قدرنا حرک برات برکتی به طریع ایمان د اطفره این می دادن می امام میکنات می که افزاد براه داست درخاد دادات برخ سعت می وقت هی میکنات ایمان امام استون طریع شدانی اکریاد میانیات دیر برست افزاد برگزاری ایران میکنات اساس وه می میکنات شد. این میکنات انداز که کرد کرد کرد از اطال بست انداز می دادن میرد. این میکنات کاروک که کرد کرد کرد از اطال میکنات اساس دادن میرد.

دود مندان کے منطق کے عدد کا دوران میں ہم چیوٹ پیٹر نے پی تاریخ اس جی کا دیکھر کر قات سے دخیلہ مجبل نادان میری جسم جی موٹ کے کششن میں امتدان با بابا کا اس

النوار کوید فاقع که به در این خوار که دید به فاقع که به این با به به به فاقع که به این که به به نوان که به به فاقع که به نوان که به نوان که که به خوار که به نوان که که به خوار که خوار که به خوار که خوار که به خوار که به

તા સ્વેતિક સ્વારા સ્વારા સ્વેતિક માત્ર મેં સ્વેતિક માત્ર મેં મુખ્ય સ્વેતિક માત્ર માત્ર માત્ર સ્વેતિક માત્ર માત્ર માત્ર માત્ર મેં મુખ્ય સ્વેતિક માત્ર માત્ર માત્ર માત્ર મેં મુખ્ય સ્વેતિક માત્ર માત્ર માત્ર મેં માત્ર માત્ર માત્ર મેં માત્ર માત્ર માત્ર મેં માત્ર મુખ્ય મેં માત્ર મેં માત્ર માત્ર

્રેક્ષ્મ માર્ક લા ના દ્વાર અને ભાગ ને દુધા કર્યું કર્યા હતું કરતા છે. કર્યા કર્યું કરતા કર્યું કરતા કર્યા કરતા કરતા હતું કરતા હતું

المان مرة ميشنيك بالد からずこののはころからかいらいかかれいいかのかいかい كيدا كروس الرحوص كالكري كالكروس التناور والمدوم الكاملا Lyans promote has missioned いるからのからないというできまれていまけんかんりゃち inderestance of the local of the forest Lie state Holacopies of in a care arrain Live a de son be designed the or in little and it دادك ال الراس و تران ك المنطق الله المعادة الا يعالم securing factornes of the ordering his inter 人はかられないれよいさいとのはひませんだいいりり influention-repeated in Estimat with Light of introverse it of privation to なっというとういんかんかられんしんしょくしゃんかららら Exilization to Kill on Live & v. d. - 1 والمال المالي من على المالية والمالية المالية والمالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية intediction his des dos provingenous minor Marien Lorisdictar & Fint whe placed cristiculations in promises in or beach

પાંચા હાલા પ્રદેશના ભૂત મહેલાં ત્રિકે હેલા કેલાં કેલા

 Seglender der Austral Charles (v. 1971), des geschen gestellte der Seglender der Segle

در به بن طرف کرد را برای در کارد در کارد در بازند به به بازند به این می بازند به این می بازند به این می بازند ب در این به می از این در بازند به بازند بازند بازند به بازند بازند به ب

المراج - وان ما المراج ا

ا میران ایران برخوان میکوستان ایران با میکوستان به ایران میکوستان به ایران میکوستان به ایران میکوستان به ایران میران میکوستان ایران ایران میکوستان که داخه ایران میکوستان به ایران میکوستان ایران میکوستان میکوستان میکوستان میکوستان ایران میکوستان میکوستان با ایران میکوستان در ایران میکوستان میکو

برارا محرال صدار مورود و به دو دو المدين المسائلة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المواد موم الا والمرافقة وا المرافقة والمرافقة والمرافقة والمرافقة والمرافقة والمرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة المرافقة والمرافقة والمرافقة

يوكلة بي اناكما بدارياده مائية شتقوه بي دكانا شاسيدنهي . ي ف ان تفول كو كولا المان إلى التول كوت كرف الداده كالراف كالراف ك وكف مع برا وراي نعيفات يريك نوال الكانورة بريك وا whitemastire to be a hard water thement المنافيول في كال جريان فراكن كا قام مطور كالجي الديس فذر مرزا ك مالات ochemistice or when to repetit texton 3648315

ي الاي بدان كوميكا بول يكرن ال لا تعذيق كو أن مبتم يا تشفاق وا تشدان أن الما وا وإخاريدان كعموا فلونس أكاليناجي قدوها شان كالأنت كامتقاس التاب على خالدين الأخواج الما يابية -الواشعود الركاب ك كالت عاليان ك الراجب مرك والعديد المركزة عدورات عدد الك المرتبي والم dand Elim is de wat is demake فتق بفك الادخراخ إلى كرب موجي الدكيمي أخروت ودرقت الربيعت كالمودت

ی البود کرا شاد اس جوز کران بادران الدے مور نسی رکھا وس کو کا ب المزدع تدع منايات intelidited and solling a continue كالمستوات الإراديا المارونين كالكرائر الارادة الاعتراج عافية 第一世後のなうといいはのののはからかんいはこいとはの

ليرور والدراعا ومعلى كان الدائر كالى المواث عالم بي استنزع في الا wiegh leso were Lathered to which of the いいかんこれんろんとがいかっとうのいはんのいか very principle & to did and the de de de تاة ويراخ كر مرصيت من فوار شدن

اس كا وز قط فسدور تكان فيد شدن ניא ט ענים ווש אינינות فبريت شوم برقيق بدين فاد شدن

المرجدان الاعتلادشين فتابره وزاق يردين مروزان مراحان Lovelle Cid was well by borden a for coming واحت لمنطقة في في ويعمد وكل و تنول عاكم والأواك الم والرا

Thuspedurange of ly tonor wing a wise is graducer with sque year a but did on wow لنهاك المشن عدى برمائي.

Subject on Some for a serial for والمراكا والمرائع والمان المان かんしいのことできるいんときんというべちんん

ولا ي تول ما ياس كا للي ومن و في الدين الديد الكان على مايل いんしゃんしいさんごういというろういんりこうかんりん when a a wish size of soil you is top & はんしょんしいとりいいいいいいいいいんいっちっという

الدان ك كام كالقيمة ت عدا في والن كوخردا وكياجات كلم يدط البقة عن قد وصف كالتى والأولى وها مى تقريف ك عالى كال كال الم يعرف enicordendo is se Lipertanos pasos いいかからいるいからいいんかいかんかん عادم في في بالمن الفيد في مات ويده ي باوود الماري في كفروري عادم ويرك يدار فياندان عروب عالم

(Studio committed for the set of me كوعار تسميد مرتقتم كوست فكران والمرادة فالكاف المرادي فرد ادعاى ترتيب عراقها عدوان وارمدافسون ورده است رقع روال كالمرداك ك يوريد المراكة والمالي عدوي الدور المراكة والمراكة こいかいりんけいい いんかいこ かいんかとうちゃんい كواليست وورافرى فالوكون والول ك من والارتداب المعلى خالد لك ين

waresplay and sound with it 1. 36 Long 12 67 5 10 21 11 16 6 15 2 16 6 186 پنجيار تنا۔

ذاره الما توجود عروان مردول المردك الام ورواد Lance 100 m. 4222 - 10 2 - 16 1/2 1/2 m الماست في والمرابع المرابع الم الدست كم الله المقدر بالد صني عدادين ايدا كام يال ع مراس فالف كالمن كمنات يا خالا بالكالم تعدوديو الد しいのりなんしいいののかいかりかいいいんかんかれん Log 22 2 30 = 26 2 2 4 2 4 2 3 4 8 8 8 1 W C WAS C respect or Hong divine Your & St Siste apolicus いくらなんりかいかんがいりゃこのからという とこういかがんいいいいとかだいかいかいいい من الدريد كام برناك فيادت الول وا تعنت ما من كالي كادو

وافن البتون كاموم وعارة كالرادان قات تخذ الديك وعاك ووم كالما فنا سركن فول مد معاف مد موارات كال مدوقية فوالا مرا مده المدالة للمناص المرخ كالمارت وتخذيف النزي يدمال دوحون مي تنزيم دياب يد صوي والانتال ك واقدت جدالك صوي ويك در ون ك دفوق و دادات وفيادات كاربان والم دى تىكى ئى ئويان كى قامى قامى ئالى دائد ياكى دائد يا تارى ئى ئى دائد こうちょういいいのかくこのかいいとういいかんい permy Et his singue des persone

يعرناك قام كام المروش مدوارى كالخيب وريقم رجاعداد إلاالد willing that the war of yorking in the adding to المرتاور لرجواله بروي والان و بالان المراق والان المراق ال ك بدر بين يا المراد المدارية المراد ا Eigher Appendich of the made for the open المراقع المستخدم المستخدم المواقع المستخدم المواقع المستخدم المواقع المستخدم المواقع المستخدم المواقع المستخدم وإن المحامة المستخدم المست

ر منا مو التواقعة المسائلة التي المستعدد المواقعة التي المستقدية المواقعة التي المستقدية المواقعة المواقعة الم معرب المدار المد

معن الانتخاب المساولية ال

ر به المراقع المراقع في الإستان في المراقع في المواقع في المواقع

الاستنبال ورائد المراف المراف المناس المراف المراف المراف المرافق المر

بالال المسيخ كالتوادم ليسك ملقدان كم مثلا الية بعدام الميز

در دار به و مواقی بر این به این که و در به به به به در دارد و مواقی می از در به به به می می می می می می در دارد در این که در این می در دارد و می می در دارد و می می در دارد و می در داد و می داد و می در داد و می داد و می در داد و می داد و می در داد و می در داد و می در داد

الإيان جى ياريك ما مى تم يك نف وليدان المستنظر كساك من المحدث من المعالم والمعادد

خوج مین متنبین حال میزای مینگاه نفسیات خوج مین مین مان نے خاب که میری دون انداز شکاری مین خواج مین مرکند کرد با با در ماج به میرانمود تنویز که بازید می ایران مینگاه دائر از انداز ایران میران که ایران مین می میرانمود تنویز که میران مین انداز انداز مین میران که میران میران می

petity for the fact in the will be a for a first of the complete of the comple

かんかんかんかんかんないとこけんかいないか

بالأرفاب المراب والمون وتغريب الما علا يروا كالفراي

المراحة المساولة المراحة المر

الله المستواطني المستواطنية ا

ત્રા ભેતું માત્ર માત્ર મેં આવેલા માત્ર મેં દ્રવિભાગો માત્ર મેં માત્ર માત્ર મેં દ્રવિભાગો માત્ર મેં માત્ર મે માત્ર મેં માત્ર મે માત્ર મેં માત્ર મે માત્ર મેં માત્ર મેં માત્ર મેં માત્ર મેં માત્ર મે માત્ર મે માત્ર મેં માત્ર મે માત્ર મેં માત્ર મે માત્ર મેં માત્ર માત્ર મે માત્ર માત્ર મે માત્ર મે

ارع فام کردند نظر بیشد شنین میدند ایداد کرداد در آنان خان که کودند. ایری بی بنده آمیدند کسر ایرود میژان که ترفیب و توجی ب انبردند فای دود. به از قری برندد تات کسیمین فرموندی درج بر یکند بی با بی میزاد در ایران از کسک تیم فسته کمیدا تورود شدند و میزاد بی با بی میزاد در ایران کمی میزاد در ایران میرود کشور

ميرس الأدام المناسبة المدائل كلية المراكبة المدائل كلية المراكبة المراكبة

اس سرائری کار کارش کرانی برای به این می استان برای با بیده این به ای خرج این می استان به این به می بیده شده می می این به این به

All processing of the training of the second of the second

صافاته دول بالدول المواقع الناع في المواقع المواقع الدولة بالدولة المداولة المساورة المساورة المداولة المواقع من المواقع المو ے بیون آئی کی۔ دو مربی ترزیدیل کا فرق جا میکندے موجود شاخ بری فاتھ ملی اور مربیانی براگریخ برائل موجود سے بریکا کا میکندی بیون جا با بیشد تھا۔ ایس میں بریک سے کا فرز انتہا برائل کے شاہر میں ملاکا اور انتہا کا میکند کا فرز اندید ہے دیستر نواروں میرول کا دو اندیا کا فرز اندید ہے میں میکندی کا در اندید میں کرنے اور اندیدی کا دو اندیا کا فرز اندیدی کا بدیدی و اندیکا کی اندیا کا در اندیدی کا باتی کا در اندیدی کا

و داکل به برخوارک شده نگری این هر کی این زمینی کست بر برکد ایک میزی این میزی برای برای به به برای میکنده بر به به به به به به به برای میکنده این میکنده بیشتر با در بیشتر این میزی این میزی برای میکند برای به به بیشتر به بیشتر به بیشتر به بیشتر به بیشتر با میکنده بیشتر به بیشتر بی

તે કે માર્ચ માત્ર માત્ર

گودا دوجها ایس که بود ها فران به به ندیده همایا به مدید به مدیده به مدیده به مدیده به مدیده به مدیده به مدیده م مرزان قام مرکز و در مدیده برای و در اید مدخوایی و در اید استخوایی و در اید مدخوایی و در اید داد استخوایی و در اید مدخوایی و در اید در در الله با با حاصر حاصر الان التي يأن الموادر الموادية الميانية ا

ي المدينة الم

Agentative Chillipsock of Amelyotic Agentative Conference of Children Conference of Childre

اختیادی فتی ادراس می ایس سے کد زیادہ قرابت ماس دارتا ، ادرای اصل

پر نزام بکرد چود آن مدکر توجمان کروان پرشین مرارات نیمن مات طرفان کا مدرون و ترای کا انتخاب میرون و مرارات نیمن مات طرفان کا مدرون میرون می آن مرفوع از تارای تا میرون چد دو فرون ان که دادرون کا میرون کا در این فروع از تارای تا میرون

ے بہل بیاقت میساک فاہرے علیٰ ہے کریک زبان دان برنبت اہل ذبان سك الكركم علم برنست فاحني بتوك الادابك وميا فالخزاز برنسيت مواس الدخر كمراف النق وداخاهد كاركنا بودومرة يات الرع ないないかんでいたとうとののかるしんいいかいれ のかいからからかかいいいいのかんかとというというという 一一とどんないとはいいからかっと

عامرا ال فاران عراق لدان كالبيت و بقال فارس كه نبايت وين زيان ع معنى ل المدعى والله مرول العلى عرب ك الا كال كالديد ع ى دروى خاروكايد بى درى دى دان رئيت ولى كان الله فترزين بدوموات مصرفان قال بي كريك بندى تراولهما في يا ことからいっしいかっているかん

15 26 3 X Zyor Extra Barker 12 with いいけんがんいりでは上いるかんといとといいからい של אינט אול גיות לונע יוטור שעוביו עות שונים בו עות שינים בו عدى ما كالألك عادرنات المدنيات مقدمات والماقيم و للطيئ الدرايين فالخ تغنس الاكثرت مطائد الاد فواعى المرادد عن كالماعالى ای خداداد دوری کاعت سے بقدادہ مرتبرہ مول یں تقابس سے بات تا ، مان على الداران كاستنام الما يد الدول الديد الدول الديد ولد كما بدائد عدا ما عام علاق فنى طرود كاذبان يد الله ع لا خارس بركة الالان الموسى ولا الله عالم عالم عالم الله الاي المراجع يكوفرون بدائل والمتيقة في والان المال المالية مينان اس قدوي عرص قد تو كانداس كافران الدي ترا ك ما دوم كاذا ل في يعد لوائن المانسي م ك . برافيا فالع م المرورة المرى عادي وواى الدينة بالمري الى المحافظة ميده برآ نين بونكة . بنوت بيثيان شاعرى الدما مى كرمثا فري كهادى قامى كركيال أس عدلى فيالات كري قدا مدع مادے طور ير かんないはないというながらいいのかとと、のとりい شاري محام كري عالم يرمنى فانف إكر بيت والكال بصفين اس شامرى في زيان لا موت ايك الادواصة على بوتا بيد جم كالخبرز إن مالا الله عد يك كا بعد الدين على فاع وى دا على ويد يراس ك شعرب الدندان كاطرع بكريس صورتون جران سع ببترا شحالكريمة بدر

ان نک برد دومت دوشت

فرد یک نصاحت کے دوجے سے توں ۔ اگرائی کروں ساک -=にじかかいている ين برنالا مواند خوا ادود وان كراه مع وشارى مركات كري فرن ك مواديكرا منات ميدان لائل المائ يدول ي ادراد دى الرف ويكرهوا بنا ومرزا ك فن معزى مرزاى فول المعنف ألرج مرزا مودا كادواليدين يد كرف ال الله عك وتعليدك قيد الناوع الاراك عده ولأوه المعاد لومره مودا ك الكب كد كم الدنس كرة عرزاك نثراددد ف قدام مندوشان عي شرب عاصل كاب اورعامي و مرزاته موادندنه نغيرى وحرائ مكساعة مرت تعيدے الافراري موعن عام ف باد قاق الدام الميدي ب اخراد فادد وخلال بت من ايك يد كونك ملوى عن تفري حن صوريه واى ف اس منعت كويكوا يك تين خاص طرف بيما وكا مي مي مقام عك بين مقبول جوالي سيد الدوكار وألك فياي ولى ف بدلك بدمتنون على بي عرصاب الشرك عدان يرب الم فيت عليه وم المنادسة والداق كالبت وكالدال مياد داللة "علم كام كامناعم دون وفاك نبت كلفات -شؤيش طسمذيعات تداشت

فرام کا تعبیده چذا ل ولیانهی رکت بخات مرزانند کراس کوشنوی يري توبياً من تدولدت سيسي تعيد سه درفزل برنز تغيى و عرق دونول ف كولة والكارتيس هورى - المئة عبورى ك سدن لومنان ال می بیت فرون موا ب محراس می اول سے آخر تک ایک بسترہ کوانی مين اجدائي عاول شاه كادع مراف كم موا وومر معفون كالمانيس جس سے محصف واسے کا قدرت سان معلوم ہو ایس اگر فلیوں کا طرز مان ادر طرز ميان تراي كم عن وقع سع اللي الذي جائة وعن الاسك ال ين الى عدول في الم المال كالمال كالمال الم المراج المالى المالى بخات رفائك كرواية وزفاى يربرو عكرمنا ينا كالتادير

فرع ك مقاعدا والريث يركيان قديث دكت ها معوداً فوز فيها في خ واندوه اود شكايت وزارنال كرمعنا بين جي نوي درطا قت ادرياكين كما تقويًا غير في بيان ك بي اس كانظر زمون بندي تول نٹر میں بھرمتا فوٹ ایل دیدان کا ٹڑھی مشتل سے دستیاب برنگ عی افوی ہے كرم الله المعادة في المعديد من الأم المناوى عد المارات BALOW WIFE A BENDERANDE COST offertow cott a partolite own a ك ماسكة كرويكود يرهوه محوادرها يك

اعران مرذاك فارى فطرونش كمعتنق مارى رائ الاحمل يرب كدان ٧ رتبانسده دوفول مرمون دونفوى ك مك ميك دونبوى ساومه ي يشرى من المهوري ك الله على الدار فاد نظري عدال ترب الد نظر مر توں سے 18 تر ہے۔ اگر مرا کا فرائ کمیں کمیں جے ملک دی اور مشري بن كافر فعرست نبايت يجيده نفل تدبي جوهل بدي بل زيال ك نبا خان يا إلى زبان فالام بالتنبيع جرمكة ادون ايس جردا فراك فتردي

عمذا تعداد ودكام كانست م دومر مصصوص فتدم ورت بحث أريط

بادعادان الكرياك عادنا والدينة والمكارة کی فیست برگذا کے مبالاتھیں موج کا دوری کا بست کے کالاسے مرڈا بيها ما مع جنب أدى امرضوط الدفعين كديدة ع بندوستان كافاك عضى المادووك وافع ارغ بدلا بواج اس ف آخده مى يديد اجتزالبودی محدمانی نام نے مندوستان جی مین شرت ماحل کے یہ میں جارتد موزی شاعری دافتا پرداؤی میں ایسے باکمال وگدائس

منون ميا برن گے۔

لل المدان مع عملان كرويول مي المسكف قا يتيس بدواك بس شاكر مدير الله ي اب لما آراد داستعاد سرائق جُدافِياكا كان جراحروث ولي والطف وري ひとからいけんかいいんかいしんかんかんしん いかいれているとないかの いんしょりくとしずらいん الميل معلوم يرت كريو كرقسام الل عدال كوي معد منها ي اميل (11)

قست برقاق الدوي أمشون في مرقوم بي يوكام إن فالمصفيت برقاع ترتاب الرقام ما م ك نظرهي اص ك كار وقعت در يو يحمان كي نظري اورا ي الرورى الدن الراب على الدير ويروك مشد الدعيم الثان الم يام ما كالدي المديد المان المري المان كالمان عام كالمان الم عدر مدى كان عالى مردى الم مندور الدى كالإناسة ي اس الحدول كام مدك الديك مزت الدولاد كا الام من يتن يك بانسرى مجاسف دا لا يخشي سنسان فيكرس مرتق نشبا عضا بانسري كي الديد اينا دل مو كادر تاريم مي عل دافل كدول على اي طرت كينما عادى كادات عرف كالمعال وعال تراق مرده

است وميسي مشفد كاكسان الدسوار كالام عديك كم مزيدى للين كا اور اس فيال عداية ولى بوالى عدال س الم المعد قدن م ي وال در تا قرم ن عيم انسان كالهيئت اس كاخال مركز نريدا كمانا-

الماريك ورايا بفاختكارات

غير نكعته . لَقِيرَة مِهِ نُكُو بستن د المرك مدع ووم مين ست كيد كماك سه اورس قدد تعرى درج وزكم اس كالموس كالخرب ود باست مدح كلاد الرين ي س عد موسك عامر كا قل عد وياج عام كام كالمالانك ے دہل ہشروال السانسي عصر كا سوسائي كومزودت در يو افوطونان جوج کان سک انترجیودی معطنت کا دیک خیالی وُحانِی بنایا افتاد این این این کا وول

ك مواسر يشتر ال ومرون ك وي وي معنون تا ينم ك عن روية ما يعلون ف خرا معلى ينزن ال تنب دى ب ين محك منزن جراقديداد تديك كرسيس والله وال عدال تدرواده جلاء وكا أي ال الريا مقرص قديم وتادي كالدائد الرافس وارتاع واس قدونداده ورفق ياكب-

إيداده التأثم كالدبيث من إلي يوشو فاعركه عكريكا أبلك كردة والمائل كالمراجد والمراجدة 5. with the willing the the thing 32 is fell とは、名ととなることでいるができるといれるとのから عدا ادر برط ال كالمبعث من ودادت كما في الرح الرف الى طارات نطرت مصفاف سقال يكدير ايك ايت عليدكو المدين شاكيا يوفون されかんこういずいかんこうらいろうかんこういい

شفرا كا هي تبول الدي في اين مناص بدخار من مي كرهما ف في جاده شفرا كا هي تبول الدي تدوي كدون برائع نايان ماس ك بديد سيني いいったいとうことのかられるというなどところう ي كرون كرويد على نفقت ك نوعي متى معلوم بورد كال إدروك الاروك الاروك الاروك الاروك الاروك المالالارة مي كان اليون عصف مراعات المناكات الدياد الدي منت يست ارك في ماس كم مثاد مقلا ادرك فا الله

يا المعلى كانت ك المام كان بد عامل نين بوق كام يى こりがことの600. Cはらじのこと 「アのインのは وزول في كل مال سه مكرد كساليت كرو المعاد مين مالول سه موزول میں بڑھ جاتے ان کو بھٹی ان بڑھ اور صفر میں بے بن کلفت موڈوں پڑھ اس عاميد و دور الفائل دوريس عدم سو عود و اس كارت دادفدا دادموق ب يس بوشنى اى ملير الى كوشتنا تفارت ك

ددر به دنس مرا ماسک علی خدا ک دیک گران سا نعت به مخرست عندهی

اس که کروفر بریا ادر مشروف و می استخال کرتے چی دسی طرح شخاصت بک ملت الذب ير سندوقات دوقل دفارت در بزن جروت كالما آب ك ال ال المنظل ك المرافق الدرهما عن ك نطيلت إلى يكول الما تكا بيدا والر

بس ای وج کار توکی کارت استان سارت مراسی عربال

- おどんないといいがれるいでけん عرك تأثير مل المرك تأثير عالمن عنوالا وأبور كالت ويوم الم Emilde subscibratione our convert ترده كمان تك قائره بينيا سكاس عاب عدو عرب الخركر تلديث ومرمد عي ١٥٥ مراع ادل الماضية وك من الا عام والرائية والدي والما والما الما الديد

براكر عداى وقت كون جائ عا كل سر يجزيس بي جار هون الديناد درادان ك الات اللي جوليات. dencination Waring to be any ناتك أن ومرائل برسوات وورائل كالمتونيال كالما Line 10/31 can といいれていくいいけって انوتى الدثيث فانترت بيتجاشيس.

راب ك قدام المدرو بارس بيال ميد دوروب كم مول الانتقال بابسا برت بي الدين كريدان ك مقاعق فغول ما شقيل شالمتقون ف ن ك من سند استال عالم يدكن بها فالدساطن إلى وي ا winited do Law you of the wind a diff ك دل د عد زاده بره مات ب ادرا فرك هر برساى وى فارد - a tout - poplarme a logo de de cora la the definition of the state of

The first of the second of the

Age to a control of the anti-tipe to the control of the control of

The state of the s

ر المراق المراق المراق الموادي المراق ال المراق ا

せんじょうい がっかいいいいかここいいいかりかりーク

ع جد محد و برك قام شامون الانتبارية وكالمادة الدون الرون ولا المراح ولا المرا

الم المراق المر

-1/5-1

ميز جيش حاصي ام داراي بين داراي كان المقانسة التهاجية الميطنية التهاجية الميطنية الميطنية الميطنية الميطنية ال منطق والتقان حد مبت رميطن حظيد من بين الميطنية الميطنية الميطنية الميطنية الميطنية الميطنية الميطنية الميطنية يعين بين بين مستل كالاستراق تبديل كان مناوع والميطنية الميطنية الميطنية الميطنية الميطنية الميطنية الميطنية ا الميطنية المي

ريسته داند ادان او المواقع الدين به اين بين مولكان المديرة الخداد الله المواقع المواقع المديرة الخداد الله المواقع ال

آو آوان فورگرفت به سه جامعت خاخان و وی متوبر کرکتا چدیدها متحاب ایوان است می جامد به سال کنید به گان نودید می می با در این به این با می با در این با به این به این به ای مهم اید در این می با در این که به این به ا

المرافع المساورة الم

لالتدر مال لا من عدد من المن الله عدد الله من من من

مود بوکری هکری میشا که مداد برای الادس کوس پرمیا میدهایی شاید از میشودی داخلدی برایای شام دی برای جواب می در سیستان میشان بیشان این ماه بیش سد شارس که همرکهدست مدید مرقع برخوا با آیا با کارسایستان که مشارق بر سرح برای الادس میست ادیدی دوگران برای اس مرتقی می

مشحرول برويدا بى برده فان ب ريسانيمك ينزن الكوراني يبك سفت نبي عماسكا-شاعرى كا تعلق المتعرب عرج انسال بذبات كراشتانك برتري اي شاعرى كا تعلق الحرج دواني فرين إدبي الله بارد اندان كودان الهنيتا ب- الاطرع عوص الكي زمادين إنا إلى الرضي المنات افلاق كما تق الديار المضيكات كما الما قد الدام ي الماق م بى كى يى كى يى كى بنى بنى بنى دىدى بى تُعَرِيرُ مِن مِنهِ ماسِت عَمَّ اللهُ فَا لَنَكُ عَرِينَ تَعَيِّنَ او تَرُوسَتُ بَينَ مُرَّنَا . بِيكن الذوذ له انعنا عن اس كوملم المكانّ لا تا تب مناب الدقائم منام كريخة مي

الين بتاديم في شرك م يستين الله عدي من كوم كال اللهد كَلْ وَكِينَ مُشْرِسِهِ - وسِيلِ فَرْتِبِ إِبِنَ الإدباعِيُّ تَسْفِيرُ تَسْنِ وَرَكِرُ بِالْحَرْدُ ا متعرکی هفرست الدومید ۱۷ کب مقال کا سے کوشای ویزی جی انباک متعرکی هفرست کے مید وقتی موجال ہی شعران کر بھا کا بے ادوارے

بيكن كرون خاص الدوياك جذيات كرج ادث فراف ك دوخ ع منودو مراقة بير تروي المركاب ويول لادن عرف الرادات عرف فرين مي فرك أوال معد مرفع والل مرواك معد مند الدي من قت وير المون فود الأي وكلي ما في ساء من وقت انسان كو يحت مشكلي بيش الين ال الارسان الما الدين المان المراد المراد المراد المرادة والمرادة المرادة عرفي المراج والمراح والمراح والمراج وا ي ترين المان مع على من فاعد فان فري دوند المان الم ないかいきゃくいくかいかいることのできりりのはことかいとこれの فالب كروشًا بند . فتر كا الرُّحق مَقَ كر قديد سرنسي بكر (ود ارزي الد العاك ك فديور عدا فكال يرج كاب يس مرقع بين أن أي كال يون ا الد الديك كالمقدى كرمواني تفريصا فان قامند بالشاب والمؤرث وفي الخيار قول الإن عدومان كي إندى بدوول بيث قام الإم يور يوسدار ف مشكال いんかんり きりょうじょいけんといれるしかいりつきるしん عدما من در برسكى دوراى كم كاروق من المعنين الف مارى de de de per de some de les obstrofts توى معدنت وتبالى تكوول عن والل رئي سه سال كان قريمي بالل شويك بدول بدائيس برياتي قر والمران كالمناوق م يرافري الدون في

عد الرا فاخون المنظمة في المن في في عن عدد المعدد في المديدة Sugar Vois Chican Britain Spain Sugar Childed Surfed Lyndine signiffity الداري واحتى بدو من الدمعات كافن ول ك والدا وروى =: ال ين سبب عد تمام دنيا شوالا اوب اوتنظم الى يد جنيون في ال ناح سعا في أيد دولت الوقوت متعليد ف إن كاتبعذ بي وق بيد المدين إيرابي تحريك الاديرا للمستقى ميلاك سع وكافود لك سائل كالافت الدوار 34.23/2/2 03/6/2 4/2000 19/6/2 الدعن فري مدخل ك التي مع ملك لما لان ك قدم ما مشعبي عاد مواق عن ای فرج بول بال مقیقت كا مدروار بومات اوردوش ادر احتمات ك かだいことがしまりしましいからいかっかとりごうかん كونك دومنناتش برايان مقينت الدومور في نس بوكتيريد - م فسسرودی کی طال اس مید ی دراده دل اشن بر ف ک افزال والتم كا ندد منعادد بهادى كاستن جوك فاه نام ين مكديك فالدوه عا كراس كروح كاخر عول مقت الدوال كاليكونول عي

يدا بن تنا اس ك ندد ادر في احت كامال س كر تب كياج ؟ منا راجن معدل جا تور کوداس کے ساتھ میدودی اور اس کے عرصوں سے برطوان الغيال بدايرتا عايين اب جي تدريرهم برصنا جايب دوزروزوه معمر والا مانات - الدوه وما مرقريب الناب مكروس الكم عول الله · Right Sold شاعرى شاكم على الرجاب دائد وشاعرى كانسيت دورمازيل قامره على الرانس باليد ولال مراشكرون يى دوكي بى درائر يدم كارت عدادة كالمع الدووووت الون وافعيت ك تبال مو يوك بي الكذا في يتلك فعيت زاه الكاد ودر المراحة فد عال كرف عد وياده عالى محقودة من رميت من تشبيع

واشد اس فيه شين بيد كار وكافي في الكرة من تكافيم اختراع ويدت عاجز نبى براريرى عدائناكن الديكيس وفي فيالات كوروك وله بي على السوى بدوت تا عرب الله في في تثبيات اودائيلات المنال وقيره ويط ويوردي ويوار والماس والمان والمان 2060 30 00 00 187 L Bur 12-100 100 100 منعیت برماتی بے یک ۱۵۷ قرارے کرجیت کے اضال کا افتقادیت كدا بديك سائقة جأوا وشقة مضبوط بيء يحديث شار دساب اداماخ جن الكارني بوك و ملاطرت عريد كليد بول مر بورا من بندان مے ول پر حروق بدر اور برو بستری دوراو تا کی کریک واپ قرياسكاي ببيان ومن ين عب دان ٧٤ ق دووري بيسك المناف الم المنافع المراجع الم ちゃんかいこうこうしこういんかいんないんないのである معد جناه كر تديد تبديل ال باست الون أس و مك . دالي لمان م برمان الداس على م ون بسيال المركان الداس いっとうかんがらいとなるとりとはないといることですい الد نيم كى يو فايال جزي عيل وهداك م وودون ين يي اي راود يو كان کے اس دوس علی - دووای من جمید علی روسان کے تجب الرافان

ا المان کے اتباد کے المان کی المان کی المان کے المان کی کی المان کی المان کی المان کی کی المان کی المان کی المان کی الم

المن المستقبل المستق

م میدنده و در در میداند. میدند از با هم می در خوشه در در در میدند از چیکان داند در این کیستان باشد. داست به وقطه که زیر می این کافل چیدست وی در در این داد از در خاری باشد. میداری میدان در این میداند با شده از در تیکن به شده برسدی در نشوناند با میداند. میرای می در از در این شید شد و در این کافل این میداند.

کنور سراری ۱۱ فاقل به کاروان کارون او میگیدگذارید. گورای بادون و کارون و کارون با شدید کار دارای میکاند در تام بری اداری هم به چید کریز روان مدید می که دری شود شود که آن در می میری میش

તું કહ્યું કહ્યું કે આ પ્રતિ કહ્યું કે માં મુખ્યું કે કે આ પ્રતિ કહ્યું કે આ પ્રતિ કહ્યું કે કહ્યું કે કે મુખ્ય મુખ્યું કે કહ્યું કહ્યું કે કહ્ય

Lybertenie Way love in commented

ر مدر با در هدی معنان می این شد کرد ان که هداشته با دیگرانید. در می این در این می این این می این در هم این در هم این می این در این این این می در این می ای در این می این در این می این می

مرود او داخل سائزلدان ان جاجت جوزلان اسر پرتیست فیرد میتان الاستان کاستان کلیستان و شرخ دارسیدی کی هود بر میمیزی هدو برست کید میتا دارست ایس رنگی بیامی هرای واقعت فرسد امامالی حاصل جزایا میتان اور یکی رسیه اورشا اثری که با حصل مجا اس سک

مواده وابرای این نزاره این فقول این نزاره این نزاره این نزاره این نزاره این مین میان این میری آمسیست کیا خیرال ها اساس دانش که جس می صرب حرایا شده باد شعری آمسیست کیا خیرال ها اساس خورا این فقد از ساخترین میرخود کا دار این ا

المعامل المساولة المساولة في المساولة المساولة في المساولة المساولة المساولة في المساولة المساولة المساولة في المساولة في المساولة المساولة في المساولة المساولة في المساولة المساولة في المساولة المساولة المساولة في المساولة في المساولة في المساولة المساولة في المساولة في

برست توبهای است. اس متابعت شده طاده این یا شدکد امدا صدادی حیاد ند (دارا این برای مساوی چی برای ادارشتری حمق ایک در در مداخ ایران ایران برای شده این می ای آنی بر بی سوم م برای برب از چوش ادو میاوندخوک

ત્રિક સું દાખ માના માં મિતા પ્રેલિયા માના માના માત્રિક પ્રેલિયા માના માત્રિક પ્રેલિયા માના મિતા માત્રિક પ્રેલિયા માના મિતા માત્રિક પ્રેલિયા માત્રિક માત્રિક પ્રેલિયા માત્રિક માત્રિક પ્રેલિયા માત્રિક માત્રિક

ليساغد بيستاسف الادفئاع مكائد تظراريث كاموتى «

مدرہ املا کی شامری افزارے ہوسائد ڈھارشوں محدد املا کی شامری افزارے ہیں میں اوٹوں پاؤ کشام ہے کا کہیے حسال تھا برتے تنے ان کارد اور دوران میں میں کا متر برتے تھے

را المنافعة المنافعة

لِنَا مِرْكَافِلَةِ وَالْحَاكَلِينِينِ وَوَفِينَالِ بِإِنَا كُرِيَّةٍ عِنْ الْفِضَافَالِ الرَّضِيدِ ك شياعت الدمناوت وفيره برفؤكر تق تقرمنرك ممنتي الدمشنتين بوفوال يالانقاض يعالم فالعامة عام مزعمات ادرمائع شراور تزيد ندیان دور پینے سب نام بنام جرری ایسل کیفیش دیاں چل آق علی -ان کو موترط لية عيدادا كرف ف - يو قادر يكون يادوستون عداداع يوف ك ひんからかんりついちのまりでのからしきという ين بدا بوكة بي رسيان شاكام بي إلى في مات بي ريك وفت وفت صياد كاللق الدو فالدف ومرجون سوي سب بنادي الداهراك ل ما المدريمون ددميدان بالدوكة بن جراية تقري واندال مكا من المدوم من والمدان من الما المدون والمدون وا يوج وك درت ك ودوان المون عريد و الا يري و الدي المري كالري إلى من في في دريد الدون واكر الحريدي والمراك المريدي على المرودي الله كالعرفدات بوئي . توسطا ميَّات ومعنى لات واحاج وبريات كا وفر كله بست ではないでんだいいというなどなどないないのかとしていかし مرما فارج الدائد والداع البراك مرطة الدم حدك هوا ويكر ایش ایس داجد اشتظروال بی بات مات می من کاشار کا برمان اور کا からこんしかんで、できずからのでいいないといけいと

بر به المنظمة هوای آمیندی به بیشتری برای بیشتری برای آداد مشعرای کارترا بیشتری اداد میشتری از وقت بیشتری بیشتری

المساور المسا

ی توجھی۔ شیعنی محومت بل شاخر کی آذائی اروز زید نے موروردار داروز سے اس کی تفصال بہنچاہے کو انوائی از بدروز توسیری کا اگر یہ مسئول کی تفصال بہنچاہے کے انواز اندروز کر سراروز کی بھیر آداؤ

ا بیشتر پڑھے خرید میں ایک مائی وسٹی اور چافزائوں تھا ہودور کو سمان میرون وزیر مشوق کا فروکا میں کے اڈار یا خرید نیا نے جربہت جل موقوق کا کردوال کری فرومشوں کا کہنا خوص اوائیات جب میں میں میں مائی خاصت امہال میں کومش موارا کردو میں میں میں مائی خصص میں میں اور اندوال میں اس

الى بد هن براويتر من بدونتر سمنة ويزون من النشف عثو ممكن آلده الله من المراقع إلى المراقع المساورة المراقع ممكن آلده الله المساورة المراقع براما المسعول عدارة كامل حداثي المراقع الم

استادای که نصاحت او باین گیر ادرای کامیعید ادر کی زها دی این کیر مرسانگیرا در با کاماد کام که کرا و ابسیت پرفاهید چس کیا را الإسلامي الاستخدام ويدوي المدين بين المؤينة في الإسلامي الكون ويدون الاستخدام المؤينة المدينة المدينة المؤي المدينة المدينة الإسلامية المدينة الم

هده آنها بنانج به بروی به برای همده باید این می استان باید باید باید استان باید باید استان به باید استان به با به به بروی برای باید باید به برای باید به باید به باید به باید به برای به برای به باید به برای به برای به باید به به برای باید باید باید به برای به برای باید باید باید به برای به برای به برای به برای به برای به برای به ب به برای باید به برای برای به برای بردی به برای به برای به باید به برای به باید به برای به برای باید به برای به باید به برای به برای برای باید به برای باید به برای به برای برای باید به برای به برای برای باید به برای برای باید به برای به بر

المسيحة المسي

در المساور ال

وُ اول زيب امن ولينت برنستوال جي

شراخ م معركيد توقدم شاعرى كالعب عدادو فياده تراجيت

といというとこまからかいかいれんちはましか

را دید بر بخشیدن نوید انتفاق ندید می ان کویدی روید خوانگار روید انتشار برای برای این این انتخابی این انتخابی برای این این برای برای این انتخابی برای این این برای برای ای در برای مدورهٔ آن بردند دار میکنده می دود دار میکنده می دود برای میده این از در میکنده می دود برای این این ای در برای مدورهٔ آن این بردند دار میکنده می دود دار میکنده می دود برای میکنده می داد. در این میکند میکند می داد در میکند میکند می در این میکند میکند میکند میکند میکند میکند میکند میکند میکند میکند

الصادر افسا ف مقالق واقدت ذياوه و بمب منوم بوت بي يحاية مؤلف

رامی دورسائنس سے فیستنی بنگار پرما آل این دور بنگ کر نہایت

اتر ادون آن ایک عکسستان دان او دید به ایا فائد بینیت به سیخت کوید قداران ای با دید برگزوده صدری امتداد و کا دوان ادوان تیج و خوا آن چه و خوا به استخدادی این با بیده برای خوا آن ادازای خوا براگزو و در و خوا به امتدادی این با بیده برای امتدادی امتدادی شده با این اداران این می امتدادی می اداران این می امتدا می داد و خوا که این این می امتدادی می امتدادی امتدادی می امتدادی می امتدادی میشد اداران اداران این می امتدادی

とかいせららいしんはないといいこんかがる قريدة بن يريون عنى ف شارى بن يك من من من المان م ك ين الما ترية المريد يول المرود أن المراق مرود المال كالمرود Savisting Son & Vove to Side or يراميدكن بالصارارة كالمناص كوالدان عاقر الادت

الآلاممة عن الأعرى الماعة منه منه جب اول بادال ابينه مكدك الأم كولة مسمحة كى المناعرى المناعرون كاستك جرى بيا وهرف اور عبالاز الديما ديوى كاسفا ين يرين بيروكري يجرل شاعرى اختيارى تى لا بي مثل شديش أن عين بي اي الله عن الله من الله من الله عن الله ىدەسىنى ئاروش كالفرافلاب كىكتاب

اسد میری بدادی نظر قان موقوں سے میں مبا گے دالی الم النسافي مون كالمفان وقدع قرام عادري كارد یں بچاہئے اس کے کہ واؤں کواری عربیت اکی اور یاکہ فشریت مامس كسه برط واست كاماق ب ترى بدوات مام جدول جري とりときり、いんというといいことといういん موں قال کے داموں کارسا ہے۔ اور کی کا وار - ای فار وی يراكب و برادون كاك مدى وي وي وي في و كاونيال بيدي

وساد کاک تین ادر فواه ده خط استوا کا نبایت توم خط مر . اکلی كاستحد كرمضوناك وإوثاء بهال كبعرتي يرتكت جين بو تؤوقت كانتاج اعتر الدرياد فالعد ك عكودن يرفاف المراس الدواي ودواك CALUTIFICATION STRANGEUN Jude Setto wet a form this total فعلون يرجرو مركزت بل الرجد وو منس بول بل نوشواريك 14, A1, 14, 10 - - 30 10 - 6 = 1 18 20 28 10 تك وحدم وحام وكلا قويت بكرست علد أوس كى طرع مشراق Mr. J. Expressi of wer Suit See. 4 منتوشقت عائدهال برحوك الفاقرقة والودام مرام こんかっとかいりいりいいかいからからいっか

عشى وعلى عرستود جي وسي مي " ن شاعرى كابنياد ولان ك عديد من عرى والدى شاعرى كى اصلاح المروري كان براى كالمنافرية しんないけんしいかいかいだいとんじい とっちりんしゃん

الحرك مقيقت الدثاع فف ع ع والدلار -24 NOW KINS

الدوعي شاعريفة يكف في نمان المديد وين أو زمان شاعري كان لى شواكى مزودت يمى بالى ب بونسى بديدس مادى مندن

الرون من كام موزون كرمكتب الرياد يدك شاعر في كسن كأن وات منظره ما أن نبس دستي - حمل صفاح . حمل تشبيها الاياستنارول كاكس قدون ای سے الدین است الدین است الدین الدین الدین الدین ا يط آت بي الوراخا ق عدده مودل مين الله عدار الع كالد ي ماسية . ترفي المقيدة شوكا باس عدم تب الدرت-والشرك من وون ايك اليما أيز سند ايك وال

تتعر كم الله وفاك المدينة جل وي دن والد أو مذه اتدا عناوكا مزودكا عامين ماعاني مراع نس شرون اعماع انبی ، ای موقع پر سے اثریزی سے دونشائشی المي - ايك أو تشري " اورووس محدي " اي طرح باري والتي وو الفظ

استوال من أستة من والك شور" الدووس مشتر " ادرص طراع ال كالدوري الى مشرط يو كشرى ك من تعلق من مكرورى كساف من الدي طرح الديد إلى مي يرخروشرم يس ڪاتفوي معترم أن يا بيء البتاس من فتك ليس كروزن عضر أو فرادواك وران كاشعرش الاعفردوال برماة بديروب احمدة كستاب

كمقدر فرواتف المتالي دفن وشراه انساديس بدوراتاي اده در قرن ای داور ساس د ای عروزن سے بهشهاس کا افرزیا ده تیزادماس کا مشرزیاده کارگزیومیا کسیند كافيريس بادست إلى شعر ك للذابسا بمامزونت بجا كافيرشعر كسلن اليب بساكولان كردرمتيت دواي اللم

فرورى يانيس ك يدم ورى عدد الرهر ك الرقائد ال وون ك طرع شرياحن إلها ويا ب جي سع ك الملاعقالافوركم فيايت فوالمراصلة برقاب الداكات في عندان فالعدائدت والسب بحرقافيدادرفا مماكر وساجيسا كرشو فرقم ف اماكو نبايت سخت قيدول س مكوندكروع بداود بيروس بردوميت النافرياني عد شاع کو النشدامی می فوائن ادا کرنے سے باؤد کت سے جس طرح منافي مفتلي كى باخدى معنى لا فول كردي سيدراى طرح فكر امحساسيت

دُياده كافير كالردودات مطب عي خل الدار مولا سيد فاحرك بماشاس ك كرادل اين وين من يك فيال كرون وي كري ي ك الناويسا ならいしんいたかといういろうきんちゃとしょ فيال ترتب وعاراى ك اداليت كالع الله الفاق ومدا كالولة م و جن لاسب سے اخر حزد قافیہ عورہ قراریا سے کوں کر اگراہا نہ المعالم على المال والمال المالة المال المالة المالة الداس فيال عدوست برماد بونا وفي على درمقيقت منا عرفودك أيال نبعي ما غيصمًا - يكرقا فيرض تبال ي ما يرصف كار الصافات و تاب الل

لوائده وتيا عد المؤفرال الدفعيده عيداول وفير حررع من عراة فيري ے - اغدهاد صندتی زامی مفول الكثريا جاتا ہے . اور عبر اس الكرت ب 上のはからいはから一てここのりはしていかかり مے سے اس میں ایک ایسی قرود کا ن جی سے طورک اصفیت یا تی شریب بنيرًا بي وت بدارياس كذياوه نواق فابنان كعسط س كا التي كان كا بالناص عدداس كا عن خال يعن أماكش ودريرده معالى في معالي . اخرخ وزن به رقافيه جزيم بارى موجوده شاعرى كادارد هادي الدوخات يغراى مي كال تصوميت الي نبي إلى مال بس ك بيست عريض ١١٥ قال كر ماسك مدود والمركام ميت معقاري عيد الى المازاد وال ك تمثق فتوكامنة في جيدا كرهوة فيال ما كاست : فركوتسير المبرات الزهجة علت كوالمرات مي ريكة من كرمين وع مكت ١٧٧م والاست يب كرمات كرا تستقات ي مدونها شادومقالي كود فرك عامان عالال اس عاللولا ياستجب يات الرمويا ديوداى فرج شوالالام

برادرا سنت بيست كرنى اخورانت بالمحيدة الرجيدا كروست فامهى ع ومكنت كالحل مقددار عصاص بويان بوراندها باس عالم فقرين يويا نشري -را فناعری میرکال حاصل کرنے کے مطابع طرطین شاعری کے لئے کیا مزورہ ہیں۔

نشرطيس منزوري ييس النفيا است عدمة من الإمزادي بيز وارث والفرف ويدتيز (١) مخيل دي يه توت تغليد الخيل بديس كوالرك معدد 60 130 816716 000 000 00 23 - 1 dille تَنَا تَرِي اللَّهُ وَرَقِدِ كَا يَوْلُ وَرَضِي تَدْرِينِ اوْلُي وَمِرَى مِنْ كُونُكُ * كَا تَقُدُوا كَا كَالْتُعَالِيّ Salana a de de porto de antes de des des الكاسدادر واكتب عدماصل بي بوسكة الرفاع كاذات في يرف مود 2) = 6d. c. c. 1) 2 d c. 10 2 d c. 10 2 d c. 10 2 d c. いかかんしんからからんしんからしんかん からんしんだんからい メンターシャン・カンこというまりょくびくしからいかいろ

ليون لاستن نبي يرده خالب عديون وكاورت ودرادات كوت يسكادا القب عدد على وستقبل س عديد اعذمال مركين وق عد مادي الدون كالرواف الدمورف بالاسراع والمام عالمان عالمان فالم واصارت الخدار وكالمراد والمنافع من عدوما بن مثا فرزاي عدا ביניים בול ביניים בינים בינים ביניים בינים בינים ביניים ביניים ביניים ביניים ביניים ביניים ביניים בי ورأب محان بسي فرائ الدمووم يرول كوا يصمعقول المصاف كاساتة متعن وكالمت لمان كالقود المعود كالمتعافل عدي عالمة ب كودوشلق مع دكا ودول يرضلين ليس بوت ميكن جب ول اي معرف حالت ع مى تدر خد مرحا يك توده بالل عليك معلى موت ي.

مثا لينه كت منت ست ميابی شب من

فت زئيست لوكب ك ئے کی تھراہت | تھویا دیجیشی کا حرافیت ترق بھی ان ہوسی ہے۔ نیچ کی کی تھراہت | ترخوار قرمیت میں یہ ایک رائی قرت ہے کہ معیانت کا وفيره بوقوم بإمثابال كفديد عدوي يوعد عدمها بوكا عدياى

ل في ترتب وسه كرايك في حودث بخلق بيد الديون كواها وكدايك Extended to a copy does a distance copy to يدر الدر علام عد المن المن الدر تعرف مع الرع فياوت الدين ب اى فرج الفاط ي اي بوكات مع وكيت بي كر سين وقات فا وكالوالية بال ايسا نراواد جيب وي عد كفر ظام كان بي دوال كم بين على ب- اس عدات معلوم برتا ب ركدي لكر برز ب بوليس تعودات الا فياوت في العرف كناب-اوركبي الفاظ وعبارات في الريداى وت Sient the contract court and the Sont كم بركاب الدكسي عن في ات عي بوكات كي المناس من ميندمالين وسي

غالب دسلوى

かき えき ここと かいい مام عم عدمرا مام مفال الياب かんかりのからかんかんかんかんかんかんかんかん

لاكونه ايك نبايت كم قيت اوداد فال يعزب مو بازاد في مروافت والكيت الامام بمثيديك التحاجزيق جمالامل دنياج موجودة فكارام كوييهما عادتام در عديد مع معالى المفاقة والموس عن كادم عدد ما ج مين مز عد لأق الدرائن معام الدريز على معرى الدمام على طرب إدما في من مودي ك كوروي مي طرب إدما كت عديد و حقيد AMELING VENTICE BIE WELFINGE كرويد والم مقال مدائع والم على مقينت دري دويون مورت with the for the server we have to the said were Les Cold to who 18 4 Stor to to War Sold or اس مثال مىدد قرت مى نے شامر كامعوات ما هكرددارد وت دے istogramional dilled + the with excessiones to forward in こいこうとのなんしいからいいにはいいできしたいい はこれんないといんしんしまれるといでいかろうけ الانات تعمي أكذب

(۲) فالب كاسى ذين مي دومرو شعرسيت. الكائد عجاجات عريان ده مي كريساد لا مل ايا ي masicalanto propertie

يُرِّى بِنَ فِيسِت بِحال برجا لَّسَت نيزيريس معلى فقا لندست يُرعب اك عاشق اين عالت زاد ا دوام يك عدالي كا عدم رزيات عاشق ك عبت الدعش كالود الود الين نيس كريكة - يريي معوم مرا هذا . كريسني توشق مص واخدة اليس بث شدي يمكن بد كدري الدرخي وورتكيث كامثلن

المرجره يرباتى شدسد اسبيخ يثن شداس تما عادات بمناينا لعرف زمان كالعينير معثوق يرفه برنس ارمكا كردك ب الليت لاولت برنا عداس وقت مطول نيس براك اورجب معثوق موقا بيداس وقت كليف ميس وسخة وامن مثال في يبيء كانتن كاعل مستأ دود نفطاً ووفون المرتدوين عايت مضعت اورحرت الميزواق كالت بعيال مرصاص وون سيم بر

وس فواحد ما فلا يحق بر. مبا يعلن فجراً ل لمسنرال دعث وا ومركره ويبايان تودادة بادا

اس شعرا خوصہ مطلب اس سے ترا دہ لیس سے کر ہم حرف مدول لى دولت يها وول اورحكول في اوس ادس تعريف في الا مرب كداس بي مخيل لاهل خيالات مي أقر بريمي لوندا بت خصف ادرعتر ولا يكرا الفاظ من اس ف وه كراف وكالما ي حرب فالدي وقت ك والى مدادىر بينوادا ب ، كاتم ك الاكان فيت كوال ب الما كالمارة

برسن برابری وادوا اول توصیا که فرون عدب مرزاجی می برواره ب الدوكوني فد بعددوست كل سفام سفيات كا نظرتيس الديمها وصباك بحد رسام مالاے کدہ ایک بلاے دومری براوال ے . الا ودمت علد الى اى الاربومات كوا شق ف ايسا از فود في كودا ب كرج يمزينام بربون كى قاجيت ليس ركنتي اس كما عديهم يسون عه درواب ٧ امدواد يصر عيرمون حقيق كومي ك ذات يوزان ع بلوراشاره كافزال دوناك را عدّ تبريرة مرست بتراساره نبي يوسك ادريعواى كاحب كوفرال دهنا كاستاست عادود سابال على かられからはなんからかりれれいいりょうこと مَا حَدِ مَنْفُولُ مِنْ نَعْلَالُ مَا وَكُرُنَاصِ عِنْ إِمَاتُ كُرْمِ عِسُ الْمُلْتُ

بارى اس مراحل ٧ باعث نبير ب ادد يركرينام فكايت آميزها امدك مساعيد ورفواست كرن كرا معدن كرا يون فرقا الدادب يريان かんしいかいのうしょびしまっちんちこんだい ات كاس قد بندكرد واست كرائل درجر ك إديك فياوت الاس راده دندی برنس دکهان ما کند. ند را از جد قرت متنبلدا م حالت بي جي جب كران عرك

ووكسركا مشرط مطومات لادائره نبايت مثل ادر فلدد مران اول كائنات كامطالعه إدايره عدكهد زيدتنا فأكال عقب عين فادي 12547 8-12 L2500608t نسخة كانتات الدوس بين ست خاص كرانود لغرت انسا أن كانسان مناهد شبارت في

عالمون المان كالمنع ما من جوز الكي المريق المريدة المن كا عد كان واحدود الله عن المن الكراف و ينالمان فالن كانات بن لرى نفر عدون من اوركيفيات منايده كرف وم المعود عافق برن اوز ظريم من دجارت عدد فات بديك أوده

فخفت جزوى مصصحكم اومتق جزوب عدضقت فاحيتي فردا اخلايك اوماى هندن بعزول سير يحدفا حيث الماكرے كاشال اي بد بيد مرن اب 12 بدشة كل مثالة ول ، وودٍ حِر، ع محش ج ترى بن سے تلا سريريشان الا

مريايدكو (ين والديك فن الدين المعلوة ركال

دولسرى مشال بگذر وسعادت دنموست که مرا تابسد بفره لكت ومرتخ بفر كالبدين ذبره كاسدوم فكاكرض الأكيس يماوونها مثار

ذا ت در صفات مع مختف مي مكر شاتوكت جه كان كا سعادت و توست ك اخلات كوديث وواليدي قوان كالريكسان بي بوتات مريخ قبرست كوكا اللمقداشا عدهقت فاعيشى استباط كرسف كاشال ميرامنون كايثوب قطاوت قامين بادوقيامت بيسب كيا منزن

ومي فشرَب لكن يا لافعام يُحافي أملكت فرق ين وي والعادرة المنظل المناون في المناف في المناف في المناف المنافقة استغناد و تأنسي كركان يوالدان ك يفرون منيد كرية احل فذاعى ا وه نشود فايا أن يعدنس منفي وكداس كاط قت ارجى عدى كرومانى ي فرت منيد كون شف يغرباده كريدانس كريكي طروسدال الركون عد عليد الله ي ووويا الون الرك الدين الله الله الله الله الله الله بطيعنا موشاع وأباين فزرسيس وهافتات بانطرت أساني كاستاري عزود منزقاد سيدي بب رفتدفت اس مطاعد كا عادت بوعانى ت توبر مك جزا فورت والحداد كار مواكات ادر منا مدول كافلات النيدة فيال VEC. 36. 36. 35. 19.

مروالرسكوف كالمامى إسروالا نكرف مى الايت الايك مشور ف و مروالرسكوف كالمامى إسداس كانست كداب كان ماماناس نظرن المره ووخا حييق اليق جي جن كرسب ف تسليم كياست ايك وصيت ا تجاوز شكرة ووامرت وك ويك ملا كون أن الوب يدارا كاروان المسامع المعافل إساكة الماليان يدر والا عادية كما يم الرقع كار وعا على مع وفا المقيل المون المؤخذ وعدم الخار كول عَيِن أَمر واللهُ كَانْكُم وَلَعَكُم الْكُول مِنْ صاحبة بالكل وي ممال بشاها يا ب و بيد فود ال موقع ك و يك علوم وكالقاء ادراب وهيا ناس الرقي فقاء كا برداس شدی برا ایت چی قوت متبلد بردیدا عبرد سرنسس کی كر اصنيت كر جود كرامين تنين بي يرقنا عبت كريتا .

مكية من كرب وه أروك كالمدر كلدو إلقا لك الحلوث مركود كال るないいれるとかいるいかいかとがとからんご はいくこうこいいろんというこいろんとりとうけい いないけんとうちゃんいかとうなるからさいかいかんしん اس الت كاستان بنداوي الانوالم المراك الت الدخرة الماليان وال فيان ت كرميوهل ك رافة الما كالإباس ميذا ك بيرون كرما فيذا الدقران ادرادا ترمنى ك الاس ال جراوتسود و ما كاد والحرار الفاقلون Sandruko ist propretient interior الشري ادا بريكة. ثنا ويفريك فالرمران لوده ان بالدكا المالا دقت يعزود الا عدد الال وجد بالنواى أو يدوورك لا وق يس ما فير مديس ده اين الام الاعتدال ك وقت ويكتاب الداون والشيات كان المديد عدد عدد الرف العرود الاي فلن مول على

للعن الفلا كم ما يقريا ما قاعد الأوقون ل يراث يعاده غرث وكاران والما عالم ألدالدا ورد بافت في الما بدواى شرعانيان مين الد

soldinal burging gent or Union ين لوري من وي ويري الورية وي الورية وي المريد المريد عن المريد かけんいいできたいのかんといれるといいいい ك الل الروال وال مرك بدل الله عن الله عن الله الله الله a Charle Mederalde Bish a Charle ده يقد ال خرو كافيت بت وي تاروي عرف وي المدوي من مواكر له دبا تا ب مستلي ما تدا ك سوا ميشدي خوز ياده جولفيان المعادان والماء المادة المعادد إلى المراج المال فرد الم おしていることがったいでんからいっちゃんかん عِن يَبِيْتُ وَيَبِ وَالرَّحَرُوْمِ مِن مَن سِيدَا فَا فِي حِصْ الْفَاق عِن فَالْفِيد اس كندى من من الما ألى الماري على واللها الماريد というとこれがころはいとからいいいいいいいいい これのとこばいりがきところいいっといとから يع فيرف و الماريخ بي الله من وروي من المساعد ورميد الناكا فيال تركان ساكران وكان بي فيها ترتيب إما 2 كا saile Samo virginitation willed - 32 Dillion is it owner the work

Minima Lyon & in policy of the said the كى والكنث كان عرصي ساءت ذكل مانا ودرمناس انفاظ كالنعي ع 2 wir 28 Lighton Likewill whichishous Iroka believe North

نده كامترون وزين كامل بي ماديد كامية تفا اددون بعراس يرفورك القاعد بان يها فك هادوي بعد لينك القال والمناف الماري المنا المعدود يود المواد المارة الما المرسوال ويملكوا عي ميوري لكال عدما في وروا والالمام والم the word of six a distriction con دا لے بچے ہی کر ج اشاد اس کے تبایت مات الدنبایت سادے معوم بھے ہی مروالرف كا "مَّام كائلت عِي وديرَى بين الي تبين عِي جربا كل كِيان بورائيس يوفين فن دي وجروسارك ماكده بالاسلام からいんかいりとしゃくかいこれかいりとくのはしかしかと جدوهما تشيون الثين الاك تبد المدوق ب المراد والمريد فودا مرام مراما في الدراسين كوفية سطة فليت برجاسة كي وفنس شوری ترتیب می اصلیت کو اعد سانیس دیادد مین جاریران مادت ک فيادنيس دكتنا دواس بث يرقدت دكنا بصكراك مطب كويضاطيون على عاج بال كرس الرام في الى قديد العربي على من الله المعلام والمات كاملانوى دادت أولف كالبدويم وفيات

نيسرى كشرط مزورى مطاحد يا تفعى ان الفاظام بع من ك فرايد لفعص الفاظ عاعب كوريض فياوت مخاطب سك دومروج فيكري بي ب دو مر دمها دوجی ویدای موددی دود ایم سے جدا کر يبارشرك ترتيب ك دالت ادل شاسب الفائد الا الكاب كما اوديم الأ الي طور يرتر تب ويناك مخر عد من مقدود ك كلف ين الأطب أي ترود

بالى شوريت ا ورفيال كي تصوير جومير إلى تعدون كسمات بيرجارة العاجرة اس سكندا مى توقيب يى ايك جا ووالني بويواي طب يوم توكدن واي موطد المن كرناجي لقدد المؤادي الى فدوا فيديك المحاب كوك الراغوش م التنبي ع وال ك كف مدكون مرتب راوي المري علا ك الذي كالترتيب عي المي وليدا على والل بيت بيساك فيال شاك التيب عيد الميان الرشاعرة بان عدم زود كا مصريرها وكانسياب ادرترتيب شرك وقت عبروه متقاول كرمانة الغاظالا تتح الادفعان تبين كرتا أوعف قرت متخياد -36 Juni 14

الريدار الا الدائد الد نفذى قدر فيات موا يما ي ما ي ملت عيد كرفال الكافيور ك ملربات يركي الردكانات (وداش ك افتاد The sings - ade un our no by a 2/ Since لأكربته مجملان ذقنى مليني مي والعن بولي جزئ أمنى كالأبيد الكارئ الثاكم いかのこといれながらいかというからいちゃんんかん الله المركزة المراس الدكا في وولود أم يك شاع وين كرا الم وقات اليد خف كامتوا a winings a pread to with the allet كرناتس فالرافري ي منوك بدرى الفظيرة الاستراس ودلال ب Mariety work of have by red with كوجب مك المناظرة الل طوات المذالات كالن والبتوي فعامت عبروا لمشكال population of which were to it is you الله عام المعرف و المعرف عند المديد المديد المديدة المعرف برىء عام المائع وتدريد بالمديث عرع عام دريد

かきないかりのいいいかからないからいからいかり

دة آخا الأولايات بينات كريث كريون كريون كريون كريون كريون الموادي والموادي والموادي والموادي والموادي والموادي والتوادي كالموادي الموادي الموادي كالموادي الموادي والموادي والموادي والموادي والموادي والموادي والموادي والموادي الموادي المو

برہ نے بہائی کلے بیٹے برد آروں کرج وہائی باطر خشتدر بدند کے جے کا کو گئی کو مسئول کہ مائڈ کیوں کہ مائڈ کیور

ي ما يا يا دون مي برقاعه و العقول عدد الما يورون الما المواجه الما الوفق موفواه عند المان المواجه الم المواجه المقاعدة المواجه المواجع المواج

ا بن دهجود برادا که جداره این به کانته براد نمید خوجرد به می بعد خود از ما میدند قد و بر به برادا ده فره بی چند ادر جداد تنظیم بدار از میکنندگاری این و برای چند بیشد با برادا که برادار برادا برادار برادار برادار برادار برادار به کام برداد بدارای میدند مولی اداره برازار بستند از ادر این نیز ترادار برادار برداد و برداد برداد برداد اور برداد برداد

المنافعة ال

گریم ان کوجند بر خوش کرند بری کوجند ناکزی ان هاری بازی با مرحل ادخان برگای ایس است بریای به شدگا جدک می پرساطن ندیم و خوان خوان کردیک بریک می باشد نوی اخوان خوان از داد آجازی بریک می دوم گرافز نظام نیسی بریک ایس کارک که کند با بریک خوان خوان از می انتخاب بریک

ا بریاحت امرائع بری کندام دی کلاد اوس قدرانهٔ با برید کندام دی کلاد اوس قدرانهٔ با برید کار در بدیان در مداند برید به میزاند که این خواند اور کلاد دو دیگر به میذان امرائع به میذان امرائع کمه با بازی کلی برید و این برید می میزان میزان میزان میزان میزان امرائع برید کار میزان میزان میزان میزان میزان میزان کلی که داد میزان می

شقاء ملوب بین فاصر نظرت فی تایدی مین کامشون نرا نیاب مشتریت اوزامشول من اقری تیاس . این کامشول می نیستری که کست مسئل که ستنی ایک اورکس واصل مشعریش کمش کشم کی گرشک مزود تدب حرار ادافاط سیکیشش

الله المساولة المساو

المعالي العالم معالمى لاحدثين الدواق كو عداديًا عددًا

اس کے رمینی وی کارے سے پیشنے مرکک کی فوٹن نگ دوشق رواشت - دوران مرکک وی فوٹ فران دولو کار وی سے کافٹور اور میں موال این اور فران میں اس محفقت بارا مو ڈاسٹری ایرال کاوران شیت

 ا افزون میرد که افزون مواد ان میرید باد برد این این بی بین میرک کوفرت میرد که این میرد میرد بین ایک وای میرود ای میسکوم د مکسناچهای این اور دو کسی مین میرود نیز ساز میرود این اداره افزاد برای در

استغيل كالسيب اتناجان بناادد الزودي كراس كرجيل المدخل الماتال بركك الدفعيت برفالب وبرخادنا جابية كوكرب الانا تلبرفيست ير 2/ Blubole 186 glatomally or دال ب الرمومال عالى مى يعالت العرك التي بي تبايت الماك ب قرت النيار ميان فعالى الديند بريان كالعرف على دين ساع وقدت ليزه المالا المال عدال المالك المال من عدال المالك قدم ب قاعده نبي عِلى ديَّة . قرت متنف كي وليرادد جندير ماذير جب المرادة والمراد والمراد والمراد والمناد المراد والمرادة はいるからかいかはんしゅのうないれんかいあかん عومت وفول ما فقد ما فقر إل حال مي وال كالحيل ندخيا است عيديد المثمال رف المعالمة و في المدورة والمعالمة والمعالمة والمعالمة والمعالمة المعالمة والمعالمة وا ميره يفاف آجا شاعرك الداس كالميداذا الدى والمدالي على مدى يا نبات والد كدام كمدي كا بدر بالدن بدند かけんかいのようかのなどはいないいはいけんであいかいか المراع الماست المراع الاكارات المستعدال المراقة المراقة المراقة لواى بعاكم نيس فايا قد يخذى وليرى الدخذ يروازى أواده فرام الترفيخ يع مسكر شاهر يك وين عن الحكم إلى فذا عن مقالية ودا الله الانفر وال م د تون ليك نس مة عروانان بوك كاشت م جدي

لذا أبين با ناتر جورة كم اس يقت بينا عدت غير مراص أوقوب في قد مداخر فارس بالتي من هرج مراح المساورة عمل المداخرة المداخرة المستعلمان بالمساورة المستعلمان بالمساورة المستعلمان بالمساورة المستعلمان بالمستعلمان بالمستعلمان بالمستعلمان بالمستعلمان بالمستعلمان بالمستعلمان بالمستعلم المستعلمان بالمستعلم المستعلمان بالمستعلم المستعلمان بالمستعلم المستعلمان بالمستعلمات المستعلمان بالمستعلمان بالمستعلمات المستعلمان بالمستعلمات المستعلمان بالمستعلمات المستعلمان بالمستعلمات المستعلمات المستعلمات المستعلمات المستعلمان بالمستعلمات المستعلمات الم

نین ندرت کے نجے دکھائی گیا منظوری کی ایک دوجرکیسی ان استوں ایوبر اس کے بقریض مرکزی منظوری کی ایک دوجرکیسی پشینار دیدہ عضور میتیوریان کی فیوری محیران کو ایوبرکیکی ان ایسکول نے دورے کام بر عرف ان ایسان کی ا این فیتر ک شودگا این فیتر ک شودگا آگار) یا و توانی یا بیشت شودگا آگار) یا و توانی یا بیشت شود نیست که در بیشتر کار بیر رسانی آن ما کار خوانی یا کار می میشتر کار این میشتر کار بیشتر کار بیشتر کار بیشتر کار بیشتر کار بیشتر کار بیر میدان این ما کار خوانی یا کار می میشتر کار بیشتر کار بیشتر

તું કર્યું અનુ કર્યું અન્ય કર્યું અન્ય કર્યું અન્યું અન્ય કર્યું અન્યું કર્યું

ی این شده آنجید به کون این از تهای داری برخ می افزار بیدان به این می از می این که برخ از این می از می این که این می از می این می از این می از می

برای المصدولی الروانید التوانی کیدید بین به الدوره التوانید التوانی التوانید التوانی التوانی التوانی التوانی ا مهمه التوانی ا مهمه التوانی ا ما التوانی التوانی

Jr 4 2 6 1 6 1 2 0

چه اشتقالها ای میان دورود نویک بری رست سمای فتان کشید موجد مرتش دورسه ان هرکشد بریش شد ایند موجد مدوستان بخشد بیش به میران هم و کریسد بدار به میران میران میران برای میران برای میران برای میران برای میران برای میران برای میران می میران با میران با میران میران

گرمنداز برای زمکن تا به برنی در زله بود سه کلی بسر : منزی نیمون مرخ دری نرای آن ایر کسی قد دا در پرای موجه بدر یکن به زمد برادر سه زدیک بهی دس برن کسی تلایا در تشوی کام وییت بدر در ایر کسی سرک می در سرد کشایک اما که اگر بیت روی شروی کیمتر در ایر کسی سرک می در سرد کشایک اما که اگر بیت روی شروی کیمتر

freit, two you are the later.

you apply freit a secret freit of the Mode of the control of the

ريكا بيد به معلوم براي هدار ما المسافرة المسافر

ف فاحمان مدمنغود بماكيات تعدد جي مودا ادر فدق بصرخيا ته

ن موں عرف مال من من الم من الم ورائل الله

اس بات الناوات في ب ان كراس كرماده ادد عمل كرامات الركول الحائل

المراح ا

A field an Angles production participation and the second production of the second production of the second production of the second production and the second production and

ત્યું જેનું સામ માત્ર માત્ર મિત્ર કર્યા માત્ર મુશ્લે મિત્ર કર્યું માત્ર માત્ર મિત્ર કર્યા મિત્ર કર્યા માત્ર મિત્ર કર્યા મિત્ર કર્યા માત્ર મિત્ર કર્યા મિત્ર મિત્ર કર્યા મિત્ર કર્યા

وارا مما الديكة بما كوده فودائل ين يدين بين الإجاف و و الحقط بي تر مثير حداث عود بواده اسرا الراقات فوراية فقاه بي من بريكات مرجع بدعات عالى الإجافة حداث الإساقة على من المدينة المساقة المساقة المساقة المساقة المساقة المساقة المساقة ال منافظ على المركز المركز

一日本の大学と といはの というは こととうしんがきんしょうう المنافظ المناف

. Se distribution

ب فالمشريق ياك كادلاب

مير ومنده كا سان من من عام من المنا ويندي عام كالله

ころ アンカルカルはからかれる שונב תפלישונים ולים المحدد كا دو ري عال شروي للدي بدوك مان يو -

المرادية المرادية والمال المالية المرادية المراد عادية والمالات المالات المالات المالات المالات

List Horandimen pocido and おんだは あっかっしいしいちゃっこうかいけん

and the action of the source o The strain of the strain of the strain of

water water water Charles and the State of French party of the معتوق مّا فاطب وأكيد حمرم عديد

المروان والمرافز والم العالمة ويها مون والدين والدين مدم والكالي يعدون ما النسك مثل فيس بورة ، كذا النجاع ويل ما متحال على الإدوية ب مراور والمراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع والماري مورا لمان المار مراح والمراد و さんかいからいのかからかんからから いかっきというと ひととこういいいいいいいい المعين المرابع المالية المرابع مرور تاويد بالالانتاد و والمدنس المرس ومواد

-1,2500016 ナランのことがとうけんことのかいかいからいかりだい مشروعد فرا في ويشهود درجها له ١٠٠٠ ما در ما المراجة المالة عديد وخوطه ووج ما تا الله المالية من من المعلمة معكرت سافرون كر من المالك يركون the supplication des 3 - 1/1/200

اورصقا ألى في نبايت ولداده بس . يكرطر و مديد ك مرتد عيده ن كوالي كارت عدى وفارى الفاظ استول كري الدعشرك الفاسط ووفره ين والتوكيدة ويدي خصوصة اس زور بيك ناوزيدة والكان كاستارها ادراطاع طعت مالة ميت دود فاعرى عن خيالات جديدا منافروت عات

اصیت سیکیا وازی ایرش میشون منبعت بدواد نهن بیگر اصلیت سیکیا وازی ایرش کاستون منبعت کنن ایری دیشودا بالع والمداد المام من المام المام والمام والمام المام والكان كمعتدد من عن شام كم عديد من في الان وجد بر الماسك والدار كعلوم فالعالى مودوع الماست راها ين عدم مسومي و المال المال عدم والمال عدم والمال المال

عرسه عدران المان بها المديد عدد مديد with the first to be series ير موسط كارتان ي بر شوكان مي مقال نسريون براي

1 . 1 . in we will a separate the wind the second ودان زيده الديدوسية يهايي ...

かいいい いっているいいのできるいと باش كالمني براب مان باذكت المداواله جومين لأفترة يكابث مشكال رارا

لألاج للل فرود كده بطاح بحري المساور المارين والماران かいき いんしの対象のなればいのこと بدور يقسن أووزوال والمدويد

دود كال يجسدوون كالما بدعفان فيرى وتنظي وأميلوفس تروانتان والمروا لا المال المال المالية المالية المالية المالية المالية

المحال دمخت برعدكم فعشراسته جق م سانستد اد برانستا مصا وساند. اى بخدادل الارجال وليسود الداري . . .

いっちょうい シャンカリスのはいかいかん and instruction of

الامرى الورث كي مثال عن عن الشوك البادرا اليون على التنويدين ك المان من المان الم هران ميدون وقيلم وعيدن منوريد ري در در دراد الد

Land with the property. in the wind who we do !!

الدجيدون ملكي المسترعام the same

کی کے میڈوارٹ سے حکمیت ہونا تھا کا بیکسندان میڈوارٹ مال سے اندور ہوتا ہے۔ دید یہ دید کا دور کا دید سال کے داران حال سے اندور کا در کا دور کا دید کا دور کا در کا دور کا دید کا دور کا دور کا دید کا دور کان کا دور کان کا دور کان

کین به موکیس و ترقی این که حال و انسان که بازگاه نفت بخدرگردی وردگاری جهرای موادگریش این کا حال می که اطلاد یک آن این که مواد دیگا افزادی این کارش بسید و شوعی این کرش جدد و شوط شوان و موسان کرش بسید و شوط شوان و موسان کرد است.

کریگی هم راکنند آوزد کشویری آوردی آن میرای آزدی آن ای اخریس زند اس وقع بر بیداکس کدیان ست آب رب به کار دود کا با میرای زیاب بیرای مدخد دروی که افزار از برای سد در مراوش سرکرای نامه بیرای میرای با شدندان برای میرای میرای میزان بیرای با شد بیرای ایران خواری می او دود بیرای برای میرای است میرای

ين قات درجرنا بوش چهام دا برد. مخاجه حافظ کنيز چي -مشيده دا منظ کنيز چي در منظ فرش که پر کشار د گشت

قراق یادند آن میکند کرتمان گفت میرهن کیترین میردن کیترین

بارے ان ماہد کی اجدار ہے کہ کاریک اگر ایسے انٹی انداز کی برائد کاریک کاریک کاریک گرا ہے انٹی انداز کی برائد کاریک کاریک کاریک کے برائز کاریک کار کاکی بے جرما حید قدی کاریک انداز کاریک کے انداز کارون کا کیساؤن کا انداز کارون کا

آنا فرنجه کرج بین مرحق ایران شدند میش بدند. میرانی اودعرفی شاعری شدند که ایران می تعام در مین شدند کافراند سبب سند تریاده بوخی شاکر میراند و دوری کام می اس تعد سبب سند تریاده بوخی شاکر میراند شود کام می اس تعداد

س من المساور ا الموالي المساور المسا

ہرا وہ مور معوقر الدر تالای ہے شواے بارنس مجے تا بال

چسندان او گرامت کاورکان شد تو پرشیخ اه چرمده کا گرسید می کنید چی -مرشیخ و عشون کوفتر جلس براداری قوم و کاورگوشی جدال دیست دوست و مودکار گرفتی به دارد دیست بگوش جان آم بدارای دیگلت خدایت بگوش جان آم بدارای دیگلت خدایت

يتغ مساحذال مذكند ودويادعهم

یے کر گودن (دور آوریل چغیر بران ووج م کر افرودیجا دادی جغیر دولت پیچلے خشق میں ختی یا درشاہ حاشد کر ساچ برمسر ایشان افکد، پاوچ بانگ تیزگئرنجے کے ان دولوں ندوری کا حاض سیار بسیاری و دوسان نگار

ے مانگی جائیں الدر التصریف کے اس کے بیٹر کے آنان ما دیرا المثالی کے الدورات کے الدورات کے الدورات کے الدورات ک موجود مان کا الدورات کے الاکار الدورات کی الدورات کے الدورات کے الدورات کی اسال الدورات کی استان کی اسال الدورات کی استان کے الدورات کی استان کی استان کے الدورات کا دورات کی استان کے استان کے اسکان کے اسکان کے استان کے اسکان کے اسکان کے استان کے اسکان کی اسکان کے اسکان کی اسکان کے اسکان کی دروات کی دورات کی دائر کے دورات کی دورات

مع می آن هنایی دو توکن توجید می بدن موت خون خود که طویریک. ودختای تصویلی چی-وی آنگیری این دی واجه و دیگریک نیادین معرفی و میگرید شاه رسید وای کاری دران می کاریک بسید فروش می کاریک می و در این کاریک این واقعید می این است.

ول الرياد و الإدارة المستنت مثل الدورة بي المستنب في المستند به مي المستند والا عمل المي المستند بي المستند به مي المستند الما ميكسر المواقع المستند به المستند المستند بالمستند الدوائل عام المشتر المستند بالمستند المستند المستند

جرش ہے برادیے وحق نے ایس کے معنون ایک ہے۔ اور میں کا میں کا ایس کے اور وقر پورانے جا میان کا بوا نے موس معنوع موکوش و نے بہنے ادامہ ہے۔ معنون نیس ما زما کا فواد عنون نے شاعر محود کر کھا ہے تھے تھاں سے معنون نیس ما زما کا فواد عنون نے

مى برجزے ما فريد خ ابر عنى كا فوق الم بى خريك بوغ الدير

ایسا بوش شاوری مرقوم بر بیان بن عام است که ده تودیکان رمان کرید یا دومرید که - در توشق توبان کرست یا خوا ادومره یکرید با خاصت سیاند توجید کویت ندارمد به بوان کردا حداث مدنداین می بوکد مقرمت برداد می بردان کنه جاشکه چی بیا جا تا مکن سب شعری کوکد دادن ن در حدید به برای گرای شود به است را نام هی شده به است به با می می است به این می می سازند به این می می سازند به این می می سازند به با این می می سازند به این می می سازند به این می می سازند می می سازند به این می سازند به ای

۱۳۰۷ برزی برز زود کرد بات رخ ناداد کی سائیل آنرسفتهای این کنیدی در نشان کارشد کارند به بین مشکلا در نشان کارند کارند کارند بین بین مشکل بیشدید از میداد در نشان کارند کارند کارند بین بین کارند کارند بین مشکل بیشدید از میداد کارند کارن

المستخدمة والمستخدمة والمستخدمة والمستخدمة والمستخدمة والمستخدمة والمستخدمة والمستخدمة والمستخدمة والمستخدمة و ويعادل المستخدمة والمستخدمة والمستخدم والمستخدمة والمستخدم والمستخدم والمستخدم والمستخدم والمستخد

ان کورشده استان براید با پرای کاردند. این که الله با که این کاردند کارد با برای سرید به میشود که و کار کسکافایو این سه برترفیدی که دیمل دریش قریرانی برای با براید (۱۲) شم یا درید با چه چها که فلت که دریش کافت بود. کشتر کارش مدن احتر برای از شرکت با

التأكن البيري الخطيع المنظون ا المنظون المنظو

" فراند اور ترق که که و ویک هروش و دول هر با یک دسید به شک فرانش است میسید و کند فرانسوای می گارشد به و کند " هم میدید میرانش میراند بدر سیست کرون ایواد بیشا به افزایش باشد که ها آن میران چیز شرف این است میرانشد که در چیز میرانش که داداند میرانشد. " میران که دادام برای با بایرانشد کردرید بیرانش که داداند این

ان ان عدال کا ایک کا ایک جا بی مصنی و دید چی خراص کے زمانی اگر ان کا تیر زیاف تو افزار ب !! مهماری انگورک جال و هو باشک استخال بی مغیره به جاده فجی مهماری شک گرم می مهماری ادار مستخوان ک تحافیات سکت

د همدست 2 سیمان این توج می سه به در جمد کاوندن شر و خون که (تقدیمتید) و مجمود این این جماع به چه توسید دیمورد بدید در ماده این به بر نامه بر شده این در ماده بر نامه بر نامه بر شده می سود برسه دارگذارد این برخود برد. مهم در موزد برگزاری می شده میسید برخده از کاودود کاوران بیشتر با

متران بدود و واقع هم المداور هم المساور والأعلام والأعلام والمواقع المداور والأعلام والأعلام والمواقع المداور والأعلام والمداور والمعالم المداور المداور المداور المداور المداور والمداور المداور المداور والمداور المداور ال

را در انجوان برود این اطاعة برودان شد تا مان انجوان سال این کار بخدان سال این کارگذار است و این وی بازندان برو برای انجوان برای این این این این برای برای بیش برودان به آن برودان برودان به آن برودان برودا التال قرادديا ب جوكرنات عبرايف الحد كدمكان كويا سيال كرا ب كر

الماعد عد والما من المرك و عدى الدارة و عدى الما المرك المرك المرك المركة المرك الشاوى كے سے تشہید دی ست ہو دات ہوشکا ر ك مثری می ایٹ كا ك existende of sed the short engle شعرص امورا مع يعنمون اواكيا بي كرافرال بين عي بير قا بيت ست كم 14 Cresting 200 1 C 1 20 1 C 1 2 C 1 عبد كراكب ميان هات يرجيا براج الدوج كرما ذير عان الميرات المنافاق و يميد والرائ المرد يمني والمنات ك يسترب ع نهات وعد اودين على الميد وعد نفره مكند درا سافة عدر كرا با كاتوشى كاف في اس ي والإداف لا فريد الدايد كارا مات تشيد وعالمات عداقي سيم خزيرى قاق ي ورواد وراد 34500000000 ان دولوں شروں میں اصلیت اور فایت درجہ کا جوش دولوں باتیں کارفرق

عدا القيال با أو ي الريداي بين اشارك نبت يه ب ب درون عد ان می کو برای کرے ان کی تول من کی بے مکن جومنی سادگ ک اور مان كالمكاف مي انك محاظ عالما على بعاد ال من مادك ايم نيس الأما فكرما والذان الذان الان المان الما الم الم الم الم الم الم ووال مومن والمعفون كوكر إلى وتياكا إلى ند إلى الم ما من مهتل ومن الك الإدراكا بالتسب الداكراسة ميسالين مي ايك يؤ عاصوفا برا برن ودارى

بلالاشتفودينا بول اس في بيان كرست بي -وى برأمان عدي داري ما وى تكادمون أفادلي اس تعرص استيت اور جوش ووار اليم يا قام آناجي گرفيرة برزيي سانگاهی سے الفاظ اور خیال دولوں کا سازگل مراد سے البت اسری فیال يو كل جد الله بر جد كر الله وقيالا الله وديك بلا جي ديا الإراد الله بي الم ين احدًا و دري ما ي وام ومن من مندري ويد انتال نبي ارت بين الرامي الثا الرمانية بك منافت وكل سيدج ما دأل كانع البدل بونكيّ بد. الكر بيان زياده ما وزبرتا فروه معافت بأل نرديتي . اس خدم جوني ا تنسياط المداعدية كالإناء الدائد الدائد والمال كالانكالانك ک من رت نیس -

- 4 Zillin فرصت اكدوم حدامتني عي مزود فيص ال يديث ياء برايدن وامن ميلاب كا بامران براكيا راويدم مي ندر كرر وجواشا يا تا كرنش ك المراسا

ساحل متعود ديكهاي نے جارع ري الدبث المحاية أن كومرُون هَا باياب ١٧ ان تيون شون مي شايدش سيمي ديمي تمرك صيت لآنكانت ميكن جيسا كرها موس ندييان جي سادگاري دروش-دون تغرب الماء

ناصرفرو براب ماكالت مست ولاميقل نرجون ميوار كان ويدخح رب ميند مجرذ يدمرو بالك مرزد النت لاس الفادال

نعبت ونيا و نعبت خاده بي اينش نعبت اينش نعث تواركان وام أفقا كا شاجات بن كيت جي -يده بدائداد ويدل القرارد ودمتم أل يده بم دورد

میرے نزدیک برمب ملک ی کاقبری جی۔

وا) المرضرة ونيال مقيقت بيان كريمي.

(٥) اللري بيت الله عد رضان برت والت كرتاب. معسوب ستم زخلوت الادملال أره مربوشي إميال ثثره بإفروب الحالبائده وہ ، خواجر ما نظامان ایک فاص وجدان مالت کوجی سے ب درو اوا

してようひととかいしたくそ المستاديد ويم مدة والعاجمة بمال كي دانندمالي الجساراي ماس إ دن شخ ابراج وَدِقَ اس اِت الار ع ع بدين الررا مد وال

دل كوتسل وين كا يمرك مودت نيس الول سان كرت مي-اب والسراك يركة بي كرم ماي ك とういかいいいいいいん valuerodingen & value viling Compliant girelyling is والم مراكل افرواعت وول بطائ الدافر ع تصور تعييد ال

بب تراءم بيوت بغ برائة こうたこのはとこととかい وا) فورجر ميروروا افي شبرت اورمقبونيت كالحين بدراسل ويدغماد - いころんじときのじん تبتين مذاية ذه احريد كس الما تشقع كالريد ان نمام مثلال مي جديد كدي مرب ميان كاسادك دا صليت ادروش

ميون إين وجراحن يا لُ ما تي بي . والم تظرية الى ما الت كوجب كرا مى ف من ع كاراده كياست ادر というよどとくというといいからいからればしばからは - 45/04 erong wanted عب أسانم إلا بمرض تقاده فانع

ك مر شاد وادم مزيرا شياساني مجب ادنبوده باشدخنزے برنتجریم م نسامه م دهد و زلاندال يطفري اين تير جاءً ال كار تعالمات عي بندا بواب ما

ماتى وقادى تعريب كرنى أدر إن عصص وعقيدت فاجركون اليان و اسلام وزيرو فاعت سے نفرت اور كفروب وين أن وصعيت سد فيت كام كران بمي كبي بال دجاه وصفيب ويؤق كرعقر والدا والمراق الم فتروع في كا أزادك وفره كوهروش وسلنت فيره يرتزي المداري والمصاعدوي سناجن مي جوفزل كسائة عنزد ادكان وهنام يحبو ك مي فول كساعة موالفاظ مفسوص بي وه يسى ايك نبات منك دائره من مودو بل المتأسلين له صورت کو موره بری ، جا فده موری ، گل اناد بدا نج اور مشت و فروست رای كالكيكوفرنس اليوا بادام اساس مست بهادوفرو الا الماكوفودا عرر باخرا ماردگر مات اللات دوام دو نفر مكذو فرد ساز فاه والا و غرة داداكوتروسان وفعير دفره عدارد الكنعدوق الوفن والمرام ومن عدور والموال والمنت المرك والمات المديدان ولمره ではいかいからでしていりのかいとめがんこんないこ تا ت رفيره عدرتا دكوفت أيامت والدائد والثرب وفيه عاد اى طريع بعض اعضا كويترفاص فاس يجزون سي تطبير ويشاعشين كرمايان المالى مع المال المالة المناوية المرورة المرورة المرورة المالة ال more compression to the stances capende line خاص فامی زودون ۱۷ وکرکر کا اور فامی خزون سے تنبیرونا

مه موان مورون الافراق الدول في المورون التطويق المساولة المدارة المورون التصويف المجلودة المورون المساولة المو والحيان المدينة المؤسسة المورون المورو المورون المورون

عن اليمن في ايروان الراب كباب ديال، مِناء مراى الم وجوافق

فيطر التنادية وفيره-

من نقدان قريب رام الله نظر دستيزت الوش ديود در وي جان چند دختم جدا اشد و بختم بر مثل

ره نداد آل فدم پرمرفوان و هنگ

ينيد شوكا مناب بر سيدكران الاصوف التي سهدكران المح الصرة الاكت دانى ب الكساق التي بر ها كوظيون . لاكركت دانى ب الكساق التي بر ها كوظيون .

کی تغیید سے کیک دری ہے عوالی کھایل چھ جب جائد ان کی چی ان میں کا جائد میں ہے دورشناس قدر او جمہد ان کا عدالے دکھا ہے تھا ڈن کھا کری میں دکھ کا عدالے دکھا ہے تھا ڈنگھا ہے تھا ڈنگھا ہے تھا ڈنگھا

کرانا کھا ہے ہے وال جوا امانت کہ طرح دکھا ڈیل نے مدہ خواجی شاہک مواک کے اس موکم جا ایشا نزاکسٹا و کھن ججڑا میریمون مشوحات میں گھران جی مواک جان سے مور جیسا کھا ہوسے

شاحلیت چیدزجتی. ۱۳۱۵ تفتاکی چید. کها جائے اے وج مید کی بریادونت کها جائے اے وج مید کی بریادونت کارتیا جسیس آنگ می درخیز آنا کی گز دیاری جدائی کارتیا

المركز المركز المستواني ا

المراجعة المستقد المستقد المستقد المراجعة والمراجعة المستقد ا

تما دامیری در این دود آخت دسترید به نینگشد داد خوان دستوید برای داست. درجی درجی به منابع دخیره شرقی میزان برای انتقام حریث دوری در قد آخر دارش در دوخت این شرقی میزان برای افتار احداد میزان در یکی اتم دارش دوری در این میزان در این در این میزان دارد این در این دارند

اردد فرانکه فراگار گذارانده ارج. تشدیده به می مورسین مورسیل می می این چیز به درمد فراندیز هم که موسعه چیز می همکوری نی زادن شهر میدم بود خواندیز هماری درجت به یک میدم بیشنده به می به از خور بدا و افزای تا می داندید می مشتر نیس به یک میدم با می ماندید می می داد. به یک میست نیس به یک به یک می دادند این در ماندید می مواد است

ے وابد میں کا حاصال اور انسیان کا حقیق کے باتی ہوئے جہاد میں انداز مادور کا انداز میں ا انداز میں انداز م

خصوصیت ایسی فرادشهی بر آن بودن کافتات کد ساقد فقی بر خیرایید مادن ادافقه فی حدی کاف آنیدی آنران به فورندان ای معرف بری گواند خده خواست می اعدامت بی موفز بر میاند شد آنید بری می کاف تعداد خده خواست این با بری می است بری این می این می این می این بدان میدن این بی قرار می می این این می بدان می می اداری با و شد کافی می این می

التوجية في كميا الخديمة المنافقة على المنافقة على الإنتهاج المنافقة المنافقة على المؤتمة المنافقة المنافقة الم معملة المنافقة المنافقة على المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة ا والمنافقة المنافقة ا عصافة المنافقة المنافقة

ا می استان می می این استان می این استان می این استان می این استان استان

باشد بدر که باقد بیشند کا دادند که تون با آیرانی اگر با ناستندی یا باشد به ایرانی اگر با ناستندی یا باشد برای م همان کارداری می اکن به ایرانی می ایرانی می ایرانی می ایرانی برای می ایرانی بدر بازدند برای بدر ایرانی برای برای می همان می همان برگزید بیشندی ایرانی می می ایرانی م

يشري كوبلوشاه أده واوزر تاده بااميرزاده باس أتريح ساس وبالراع

كالماجك وعادل اسك قرال مي خرشراد وعلوظ الما الماعرات عر

آولاد الى ما ياب برتاب ما بالمال الى الادى ماداك المال المستان المال ال

ووك في الواق معلم الميوت في وي باب تين ايدا يك من وواروب

مري مي الرون والمري مي الدوري ال دوم ال الرون

الكاشتيان كاركا مذيبي والتوق مشاجئ بصواري كارادا ترمشاي

Wheat station the internet and the mis

عاست مي دارند ان منزول الوكان الكدا شار في دارت إلى الرسه إل و إلا

المنكاف عدى مراحل والمواق الماديكالانك فيراج والاتا زياده

مقبل ميں موت مكن مارى شويوں عي دويان أو يونياً فرق سے عادے إلى م

تعم ك واتعات اول ود عاده شاده فرص في انسي واتعات كوسيد في تغير

مرابر با فریضیے جاستہ میں ریان کے سوب ادر تشعیبات اور سٹون کے مرابا ادر تصدیمہ قائد ان نیام وظیرہ کوشیادہ تر انہوں تقیدی جائے۔

ألد تدم كرواني مدالك معدومال الدمسيت كر إدرات كامرت

والمها والمراس كالماري واللات وواردات المروس كالموت

ين لوال المالية عن الديك إلى ال عاسمة تولى له ما عالمية من ال

كوك المال والديد كالم من الدين المن المن المن الدين المال المرابع المن المرابع المن المرابع ا

بخلاف فتأكسته كلوي كالثرم وقعد بالنوق بي ديك بصرفة الدفراني

بعار خالامت والمرح

أرو فعد كالما والمتق ما معادد كالركا ومقود قدم عدما الماست الدائع

الزيال والى الى مي من كا خياد منى يركى كى كار

عدان ترم بطرخوان موصل این ایرانی آمن فرم که نشید دید سه ادر بست کرد میاند، فازمیدات این آن شهرکا گیاری کرانسدی انتقابی کند شده امزام می آین انتقابی کاموج در ما انتران مراه معیدت دارد می آمادن سد دست بردار مرا چاینها کردگر امنیدت ادیکاری می مراکلات بدر و فرانز امنیک کردستس ر مولم به به نوکس که افاره افد برگاه " پر توجید شابات ب ادریافی هن حصر خودان ورکم از دادرس بر بدرت به فاجه خاددگش بیکتر این دریکام بردارس می ب بیات بر فاجه با خاصه به مصنیا مقتله فرجه کلند برد کورس با بدرس سب مسیعر ترویز بن این طبحانی الادریات مورس با بردارس بسید شدن با بیدانشد شاندگشت آشایشد مدین که نشدن بسید بیشد شدن آشایشد

امی است سه سرخوانهای نظیری و سیده بید با واقعات فراک به در کابلدی امد فارسی می آن با المراقی نی خوان و بر سه اردند دید از وان در میدند کودری این آن با میش اوران به یک موفوانی تیمید با که ما این در بری شود می بدا تا دست برای و دادد رستار میزود می میشود کاب بر بر ما میدند به آن این در دادا اشر ما امد و کابل از در کابل شده المی در در کابل ا

رِمِهِ بِرَمَكَ ہِے۔ * چنان تو زیر ایرواشد دران تو جد دودها ندا مالکران کوارٹی درج کاشر جروفتک کیاجاسک ہے۔ جاسے نزدید، می ہاسری صب سے عماد این دفیق کا فوللے مع

ب المائد الديان المرابطة بين المنافي عبد المنافية عبد المنافقة ال

در المنافق ال

محادادداصل كعمانق بوادديس كسيءاى جرابيا جرت الخرجوانة

مرمک دی مدانگ موده جوده حاشت برما آن جایدگر برخود آن چرک گرفت موجود به فی است در حاصل آن فی موجود برصفی می موزوش در چیزی بیان وی توقید ما در این وی موجود بردید بیشته فی اما میران و میشود از این می مودد چیدا شکاه با بدر این می موجود بیشته کنده می موجود میشود از این می مودد برما بیشته کنده بیان میشود از این می مود چیدا شکاه با بدر این می موجود این می موجود می مودد این میشود این میشود این میشود این میشود این میشود این میشود چیدا شکاه با می داد این میشود این میشود

ار من مستان المواجعة المنظمة المنظمة

آب کے جوں میں اور اٹریز کی دیے واقع کے جاکستان کی اس کا میں کا میں جائے گئے عمل کے بہت اس کا میں کا روسان کی واقع کے اس کا میں اور اس میں اپنے اپنے اپنے اور اگر کے مواقع کے ایک کا کے اس کا میں اس کا اور اس کا اس میں میں میں کا اس کے جاتم کا صورت کی اس کا تھا ہے کہ میں میں میں اس کا اس کا تھا ہے کہ اس کا اس کا اس کا تھا میں میں میں کا اس کے جاتم کا میں میں کہ اس کا کے اس کا تھا ہے کہ اس کا تھا ہے کہ اس کا اس کا اس کا تھا ہے کہ اس کا تھا ہے کہ اس کا تھا ہے کہ اس کا اس کا

رادها من المحافظ المتحافظ الم

آئے جس سے شاعر کا کال فاص دعام کے داول براندالی جومات البتدائی ما تعزور عداء معد ما الله والله فاعلى فاعلى الخواص ما ما الله والله فاعلى فاصالتي من الزيادي وراي بديد الدي والمارية ないかいかんかいのことこいこけのではかんは عرور المدور والمتعان والمرود المرود المرود والما المرود الما المرود المر المناه بعد ما تعرب المال والمال المالي المال الناكم الأمقداد عصرت كم يد المن الاوقت بعرورت عرف الحاقد الم تراجه وهامت ي را في كما ما لي كو

حاليًا مرتبه الدواوب في الدين ويراك تام ではいいといいといくいいいいいいいがっというとうかいか المن من عالى عن كدا كم المنسوص كم يا تقزل ان كه فيل كام حفر عنا الدرومنو يساكر براجون مح كرف كالوال لون كون كالفرائق والانتان ころいるはテノモのからかんかりしたりにんべらる おおこうからいこれはとから مال كريا مالادر ف والدوس عد يعاص الديان

ひんしんけんがんしんしんからがいんとこれにい المين دروي كارواد يوات من فوه موال كالمسات واستدار واتب والاددواد كافرى يدى كرمالكر منيد وروب كران كا أي توليات كور شنى ايت الكيات كورع الويدائي.

وياك ونوش عصية الفي عادل

آفسر كادنتودن سريحة تحاليا

こっしいんでとかいま يرجانى ج كربادا في بيت SCHULL STURY &

روال ع بالسافيت وستان فرعان والمفار ادي جواه يوست معا

تخرجه دانشت فيز الدبستن أثعاث 300 10 00 0000

اك عر يا ي د كالا يوش عن مكى ب 23 نزت زار جالان

magacaye yer いんます でんしゃうかん

كن عيمان دفا باره دي عديك こうびょうまなどいかが

المتحاطة المترجة بم يعتب عالية فود كاد ولما عرب كالتر بما ما Children con isander design おしとこじととり でんしん ابدده الى مى درازى شد جرار بى نبسى

وليحش والنفات وثالونهاز

يم ف ديك ستافيد الإ خرب ڈال متی اتدا اڑنے كديا فالزجن لأن

الدوالارادكات نهي occupación o

كله واسود موالة كيمة سيان مرمری دل که واددات نیس

كوق محسدم بسين ختاجيان بين م مان نداخواناط Vorgi - 14 - L

ست ومعت جميرة داستان مي 10 = 00 V 00 1 5 = 1 این که وک باتی بی جدا د می

مِن کھ اور بی صاح بی جات ما آب ہ جُوری میب که مُردت بدائ جاتیہ

دوارا دع ك هذا نوب مع

محق می ک یا دجیاد دسیاں دہے

کیش کودے ویان اب بری سے کشا کی کرو فوجاؤں آشن جونے ماہ الما الماد عروية الروائد المدال المادية عدد المادية

رعصدا لے اُدی ف اِن کی شاعری فرحملی مبدو وردادی کو یا وی سے ان ك الله و كمة موسف الدوان ك فرياد ي علمة من محلة من الماع وروم عدد المام ولا عدد الماري و معلى و معلى rate do on the will him do こんだいいけいまるいまれたのではいいいこと واكتب الدادوفاعي ي سي فيادة ال تلداخاني تداي ingo Lobert we with a Last visit

منا فالديك عن تعديمال وبعداد وسلنين فينتعب

ئي وه قدان ودونلم واقر يداكي وهرب الان والدون الوان جي سائد على . يوم الشوادين الدون الدون كسدان فراكي بوان الما فست الي جوسف الان المدون الموان المدون المدون الدون الدون المدون الدون الدون الدون الدون الدون المدون المدون المدون المدون المدون المدون الدون الدون الدون الدون الدون الدون ا ك الموان الدون الدون الدون المدون الدون ا

در میداد که در کمانی می فراید هم فواهد که صدوح می درنا بردند هد.

و بر را بید که در کمانی می دادند به این می در این

یا چیند اگرچه این و دو دود یک با متی سد نیاد دوسته پیدا دیدا می خاطرایک ۱۹۵ می ای کردن برانی سد مال بدوره کی نمی این کار برای با در این برای می مروضی بدوارد کرانچرون و بیرای می شود با رای کار برای می در صحیحات می این می کرانچرون و بیرای می شود با کسال کرداری به دونزی میزان می این می این

کرین دارون سرچیزی کا گریاساتی، کامانی این جیست کا کنامایی کا این کینیام میمانیدم برورانی پید این نے کو اور این سرچیدی جا رون این کریست آنائی میں میران کا گوادا شہرس بردای میران کا میسرسری گوادا

هی دان سیس تا به بیشتان کسید از باشده کا کشایا در باید به بیشتان که بیشتان بر بیشتان با بیشتان بی

درے۔ اور اس میں منکسانی کا دانی خامی میں میٹرول اقوات سیاست توجیس و درجی بھی کے ساتھ تھا اسے جدان کے میان کی اجازات کا اور اسے بھی وزش میں کہتے ۔ افوات اور دکھنٹ کے توریات کے جد خاکستی اور اور دینے میں میٹر شرخ کے اس کے اگر دکھا کے اس کے جدائے کا اس کا میٹریست میڈل میٹروک منتقل توک سے میٹروٹ بھا کہت وروشیا کھیلنڈرکا جسٹ اوالیش تھا۔ منتقل توک سے میٹروٹ بھا کہت وروشیا کھیلنڈرکا جسٹ اوالیش تھا۔

من کوران سیستان با استان به این ب من کوران این این این سیستان به این به ای و این به این این این این این این این این به این که کرد داد این سیستان که تراستان این این به این به این به این به این به این این این این این این این این

ي ام آم داده استفاده آم داده استفاده آم به منه التناقب المثانية المستفادة المستفادة المستفادة المستفادة المستف مرام الرواد به الإرام المستفادة المستفادة المستفادة المستفادة المستفادة المستفادة المستفادة المستفادة المستفادة هما المرام الماركة المستفادة المستفدة المستفدة المستفدة المستفددة المستفددة المستفددة المستفددة المستفددة المستف

ما که دین کرتا گریده کا دورت ایجام میشیستدی بوده گذاشد هد را گرزی خد رای کوی در دورای میکند کا می دورای میکند کا می دورای کا در می میرو را میرسی که در این میکند کا میکند کا میکند کا می میکند کا میکند کا میکند کا میکند کا میکند کا میکند کا میک را مالی نام میکند و داده میکند کا میکند کا دارای شام میکند کا میکند کار کا میکند کارگذار کا میکند کا میکند کا میکند کا میکند کار

ا خاری ناروکه بیل برد. مال چن میم دو پیرس برگرفرایان نفرآن چن و تشدید وه ۱۹۵۸ از اورهنمیت به بید درد معه معهدی انبی و دیروزورشدن می کیا دو کا دارس که دیکنورشدگی می دانشیت و تشدید شدید می شدهای کیکا المواقع الموا

المستوانية المستوانية

かんしいいとれていいというかんかんかん

فالرى يد لوكم الرحيد كالدمنيل في الركاك وشد وي ما فيك مرة

مات كال وق كا معاد ت كافل وعالى والله شاعرى تا ومعرون

からいか(81015)からながらいからいかりかり

JUSE 4. 82 45 (41) =13 = 3 7 mile. (6, 500

در اداره کار در این این با در این به داده می داده می این این این به با با با با بین به با با با بین به بین این استرو برا با در اداره بین به بین این به در این به بین به بی بین به بین بین به بین بین به بین بین به بین به

الاکریے نظراتے ہیں۔ باست مرسری ہے گوفوائی پسند پر بھے گفتگو ہوام ہے ہے ارائک صاصر مورساک بیٹرٹ سے رائک طاف آرائی طافی

چرائریک ما فسراموریک برایت سے رکھاجات او کیما والدی و استان کے ایک الدونوی م کے زیرمت تک شدید میں اگر مرتزی ما اقدادی فراتوں پر ا کا بھی آر خواب فراتوں ملاحظ کیا ہے کہ الدون والدی میں الدونوں کے الدونوں کی الدونوں کی الدونوں کی الدونوں کی ا اور نگر مرد شدہ کا می فرات احدادی کا دونوں کے اور اندونوں کی الدونوں کی الدونوں کی الدونوں کی الدونوں کی الدو رکتے ہدئے یہ کھی اور مورت کے مادھ کی بڑور وائر والدونوں کے الدونوں کے الدونوں کی الدونوں کی الدونوں کی الدونوں

راقتی به سه به میخود در جواند که ماها آمیزی و دونوی بودندادید. مرمزی اداران نواد این اطراق بر میخوانی از اگل بیش ادارا میده سه دوری که تقدیر توان این میکند که اداره این این این میخواند از اداران این که بیشود بر آن بر انگریزی بیشدش (ARCO) سه برگ سه میگرید توان که سازد. بر آن بر انگریزی بیشدش (ARCO) سه برگ سه

"Lezonen"

ي آون كد دور ما مرادي مودي در اداري مجوان واطلق كه اي مودي المدين المدين المدين المدين المدين المدين المدين المدين المدين مع المدين المرادي المدين ا

اس کار کار برده تا به می است کار در بدته بدند تا به مدید به تایید می است به تایید به تایید به تایید به تایید ک این نام در به تایید به می است که می این به تایید به

مطبوعات شيخ غلام على أدبي اركيث : يوك الدكل ، المهور